



سیمای ابرار^۲

آل‌ها

ویژه‌نامه خاطرات خواندنی، پندآموز و ماندگار
 از سیره اخلاقی و اجتماعی شهید آیت‌الله آل‌هاشم رحمته‌الله علیه
 تیرماه ۱۴۰۳ / ویژه استان‌ها

افق حوزه

الذکر الحرام

هفته‌نامه افق حوزه

تیر ماه ۱۴۰۳، ذی‌الحجه ۱۴۴۵، ژوئن ۲۰۲۴

۳۲ صفحه

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضا رستمی

سردبیر: رمضانعلی عزیزی

ویراستار: داوود مظاهری

امور هنری: سیدامیر سجادی

کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی

چاپ: صمیم ۰۲۱-۴۴۵۳۳۷۲۵



تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۰۰۵۳۸

نمبر: ۰۲۵-۳۲۹۰۱۵۲۳

نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱

پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir

پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir

کانال ایتا و سروش: [/ofogh_howzah](https://t.me/ofogh_howzah)

ویژه‌نامه خاطرات خواندنی، پندآموز و ماندگار
از سیره اخلاقی و اجتماعی شهید آیت‌الله آل‌هاشم



فهرست مطالب

زندگی‌نامه شهید آیت‌الله آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه امام جمعه محبوب تبریز / ۲ * معرفی کتاب / ۶ * سخنان مهم شهید آیت‌الله آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه در خصوص عفاف و حجاب / ۸ * سید محمدعلی هم پدرم بود و هم پسر... / ۱۰ * برشی از خاطرات ۴۵ سال همراهی و هم‌نشینی با امام جمعه شهید آیت‌الله سید محمدعلی آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه گفت‌وگو با رئیس دفتر شهید آیت‌الله آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه / ۱۲ * خاطره / ۱۶ * شهید آل‌هاشم در قامت امام جمعه تراز گفت‌وگو با دکتر احمد فرشباغیان / ۲۳ * روایتی از ۷ سال همراهی با «سید شریف» آذربایجان گفت‌وگو با مسئول رسانه دفتر شهید آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه / ۲۶ * خاطره / ۲۸ * سیدی از نسل خوبان حجت‌الاسلام والمسلمین فرامرز اصولی / ۳۲

آیت‌الله سید محمدعلی آل‌هاشم، فرزند آیت‌الله سید محمدتقی آل‌هاشم در سال ۱۳۴۱ در تبریز متولد شد، ایشان تا مقطع دبیرستان در زادگاهش تبریز تحصیل نمود و پس از آن برای تحصیل علوم حوزوی به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و پس از تلمذ در محضر اساتید بنام حوزه علمیه قم، موفق به دریافت سطح چهار حوزوی (دکترای فقه و مبانی) گردید. این عالم ربانی و سخت‌کوش به مدت ۱۴ سال نیز در درس خارج آیت‌الله خامنه‌ای حضور فعال داشت. و در دوران تصدی نمایندگی ولی‌فقیه در آذربایجان و امام جمعه تبریز به تدریس دروس خارج اشتغال داشت.

فعالیت در دوران انقلاب

شهید آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه از جمله طلاب جوانی بود که در دوران نهضت اسلامی در کنار پدر خود و تحت نظر آیت‌الله شهید قاضی طباطبایی رحمته‌الله‌علیه، به فعالیت‌های مبارزاتی پرداخت. در یکی از اسناد به‌جای‌مانده از آن دوران، ساواک از اثرگذاری محمدعلی آل‌هاشم بر روی افکار جوانان گزارش داده است!

آثار و تألیفات

شهید آیت‌الله سید محمدعلی آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه علاوه بر تدریس فقه و اصول در حوزه علمیه آذربایجان، دارای تألیفات متعدد می‌باشد. از جمله آثار ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

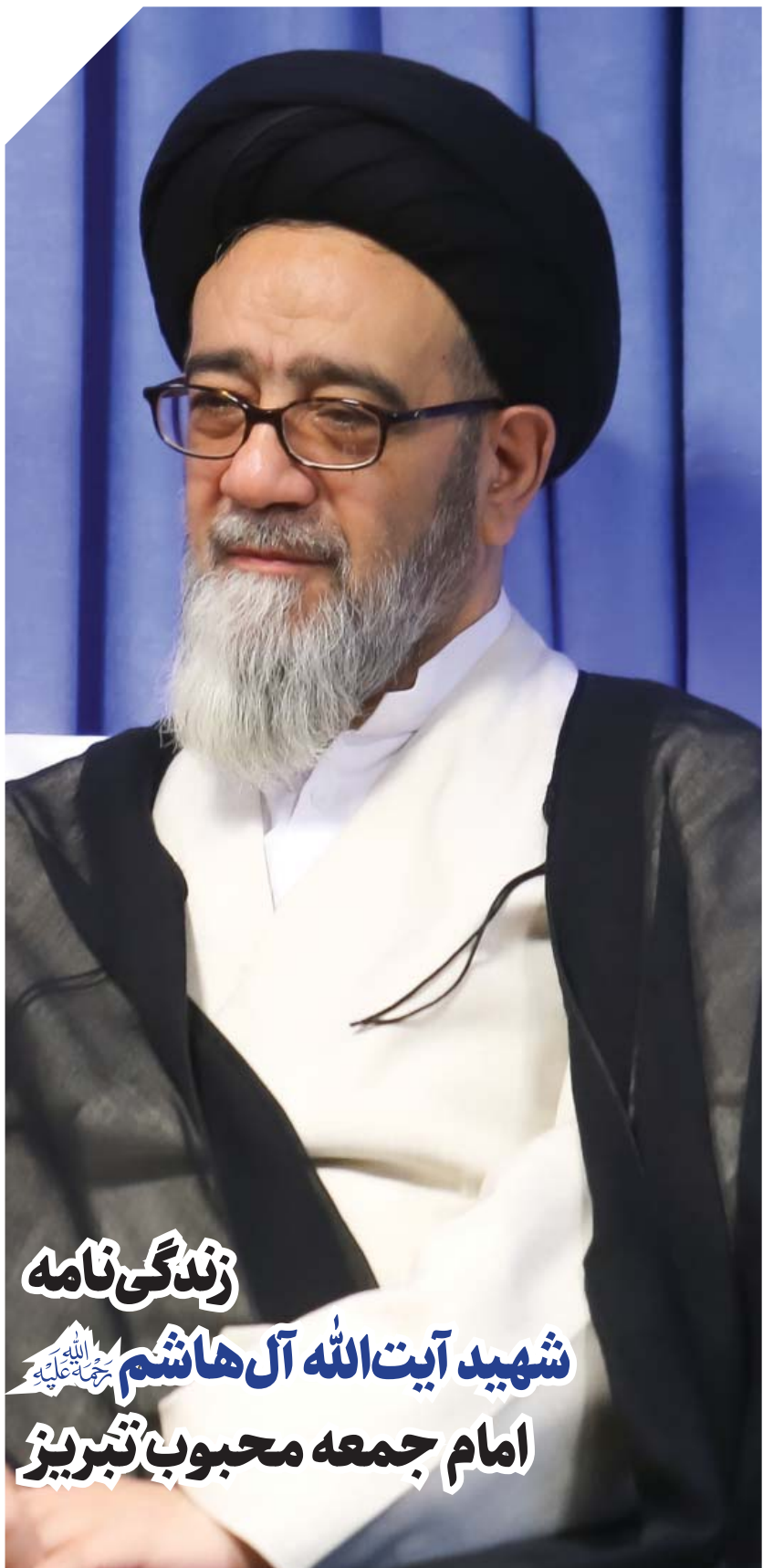
- بررسی فقهی جنگ روانی؛
- سیره اخلاقی و تربیتی حضرت علی علیه‌السلام با رویکرد نظامی؛
- شمیم اخلاق و تربیت اسلامی؛
- پیام جمعه در ۶ جلد (خطبه‌های ایرادشده در نماز جمعه تبریز).

مسئولیت‌ها و سوابق اجرایی بعد انقلاب

شهید آل‌هاشم در دوران دفاع مقدس، در جبهه‌های حق علیه باطل حضوری فعال داشت و با فرماندهان بزرگی همچون شهید صیاد شیرازی همراه بود و پس از جنگ نیز در سنگرهای مختلف فرهنگی، سیاسی و اجرایی مشغول خدمت‌گزاری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و مردم آذربایجان شرقی بود.

شهید آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه پس از شهیدان محراب؛ حضرات آیات: سید محمدعلی قاضی طباطبائی، سیداسدالله مدنی،

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، گزارش ساواک از تأثیر حجت‌الاسلام آل‌هاشم بر جوانان.



زندگی‌نامه

شهید آیت‌الله آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه

امام جمعه محبوب تبریز



بلندشان در مجاهدت‌های بزرگ در همه دوران‌ها کم‌نظیر است؛ به‌ویژه با قشر جوان انقلابی و پرشور، جایگاه معتبر امامت جمعه را بیش از پیش در خدمت پیشرفت‌های فکری و عملی انقلاب قرار دهید.

تأکید بروح‌دلت کلمه عموم مردم، ارتباط مستحکم باروحانیت معظم و علمای اعلام، رابطه صمیمی با دانشگاہیان و فرزندان، گسترش خدمات فرهنگی با کمک جوانان و مجموعه‌های مؤمن و انقلابی و همدلی با ایثارگران و همدردی با ضعیفان، نیز همواره باید مد نظر باشد.

توفیقات جناب عالی را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای/ ۱۰ خردادماه ۱۳۹۶

فهرستی از مهمترین مسئولیت‌ها

آیت‌الله سید محمدعلی آل‌هاشم، از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ با حکم مقام معظم رهبری مسئولیت سنگین نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران

علی مشکینی، مسلم ملکوتی و مجتهد شبستری رحمته‌الله‌علیه، ششمین نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز از ۱۰ خرداد ۱۳۹۶ تاکنون (تا زمان شهادت) بود!

متن حکم انتصاب توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدعلی آل‌هاشم دامت‌افاضاته اکنون که جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای مجتهد شبستری پس از سال‌ها خدمات مجاهدت‌آمیز در جایگاه باعظمت امامت جمعه در شهر قهرمان تبریز، از ادامه این تلاش مکرّم معذور گشته و درخواست کناره‌گیری کرده‌اند، جناب عالی را که خود فرزند آن شهر عزیز و دارای سابقه خدمت موفق در مسئولیت‌های دیگر بوده و از شایستگی لازم برخوردار می‌باشید، به نمایندگی خود در آن استان و امامت جمعه تبریز منصوب می‌کنم.

از جناب عالی انتظار می‌رود که با سلوک صمیمانه و تلاش خردمندانانه با آن مردم مؤمن و پرانگیزه و شجاع که گام‌های

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز، آیت‌الله سید محمدعلی آل‌هاشم، زندگی‌نامه.



- معاون هماهنگ کننده سازمان عقیدتی سیاسی ارتش؛
- معاون تبلیغات و روابط عمومی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛
- رئیس اداره عقیدتی سیاسی نیروی زمینی ارتش با موافقت و تصویب فرماندهی معظم کل قوا؛
- جانشین سازمان عقیدتی سیاسی ارتش با موافقت و تصویب فرماندهی معظم کل قوا؛
- نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۶ با حکم مقام معظم رهبری؛
- نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز با حکم مقام معظم رهبری در ۱۰ خرداد ۱۳۹۶؛
- عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران؛
- عضو شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور با موافقت و تصویب مقام معظم رهبری؛
- تدریس در دانشگاه های ارتش؛

- را عهده دار بود. وی در این دوره سه بار موفق به کسب مقام اول بین سازمان های عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح در اشراف فرماندهی معظم کل قوا شد.
- با نگاهی به کارنامه فعالیت های شهید آیت الله آل هاشم رحمته الله علیه برخی از مسئولیت های برجسته ایشان را می توان چنین نام برد:
- حضور در جبهه های جنگ حق علیه باطل در دوران دفاع مقدس به مدت ۳۰ ماه؛
- مسئول ستاد نماز جمعه تبریز؛
- مسئول عقیدتی سیاسی مرکز آموزش پشتیبانی نیروهای زمینی ارتش؛
- رئیس عقیدتی سیاسی لشکر ۲۱ حمزه آذربایجان؛
- رئیس اداره عقیدتی سیاسی منطقه ای آذربایجان؛
- معاون روابط عمومی سازمان عقیدتی سیاسی منطقه ای آذربایجان؛
- جانشین اداره عقیدتی سیاسی نیروی دریایی ارتش؛
- جانشین اداره عقیدتی سیاسی نیروی زمینی ارتش؛

.....
۱. همان.



- آیت الله سید محمدعلی آل هاشم؛ همچنین عضو میز آذربایجان در مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و از این ناحیه هم، خدمات ارزشمند و ارزنده ای به این منطقه داشته است.

شهادت

در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ بالگرد حامل شهید آیت الله رئیسی و همراهان که برای بازدید از سد خداآفرین و افتتاح چندین طرح ملی و استانی به آذربایجان شرقی رفته بود، هنگام عزیمت از این سد به مقصد پالایشگاه تبریز به علت شرایط نامساعد آب و هوایی دچار سانحه شد. در این سانحه هوایی، آیت الله سید محمدعلی آل هاشم امام جمعه تبریز، به همراه رئیس جمهور آیت الله رئیسی و همه همراهان او از جمله آقای دکتر حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه، دکتر مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی و همچنین سرتیم حفاظت رئیس جمهور و خلبانان و کادر پرواز بالگرد به فیض شهادت رسیدند. به همین مناسبت امام خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت شهادت گونه وی و همراهان ایشان را در سانحه هوایی را تسلیت گفتند و ۵ روز در ایران عزای عمومی اعلام نمودند.



آرامگاه

پیکر مطهر شهید آیت الله آل هاشم رحمته الله علیه روز پنجشنبه ۳ خرداد با حضور حماسی و باشکوه مردم استان آذربایجان شرقی و سایر استان های همجوار در مراسم تشییع، به وادی رحمت این شهر انتقال یافت و در گلزار شهدا به خاک سپرده شد.



معرفی کتاب

شمیم اخلاق و تربیت در جامعه اسلامی

کتاب حاضر گلچینی از بیانات اخلاقی و تربیتی خطبه‌های نماز جمعه تبریز به امامت آیت‌الله آل‌هاشم علیه السلام است که به کوشش نشر مهد آزادی به زیور طبع آراسته گردیده است.

معرفی کتاب

مسئله اخلاق و تربیت و مؤدب بودن به آداب انسانی اسلامی، از دیرباز مورد توجه بیداردلان بوده و روزگار و عصری را از توجه به این واقعیت مهم خالی نمی‌توان دید. آنچه پیش رو دارید، مجموعه‌ای است، مشتمل بر مباحث اخلاقی و تربیتی که غالب مضامین آن، برگرفته از منبع وحی و کلام و سیره معصومین علیهم السلام می‌باشد که با بیان شیوا و روان آیت‌الله سید محمدعلی آل‌هاشم علیه السلام است که با تأسی به اجداد طاهرینش، با عمل، کردار و رفتار و صفای نفس در میان تمام قشرهای مختلف جامعه جا باز کرده و مورد قبول و به عبارتی «محبوب القلوب» مردم شده است.

عناوین اصلی این کتاب

اهمیت خانواده در اسلام، ازدواج در اسلام، حقوق زن و شوهر در اسلام، بهداشت در نظام خانواده، ارزش و اهمیت فرزند، نقش

مادر در رشد و تربیت فرزند، نقش پدر در رشد و تربیت فرزند، فضیلت‌های اخلاقی ایمانی، فضیلت‌های اخلاقی اجتماعی، آشنایی با برخی رذایل اجتماعی و...
* * *

اخلاق حرفه‌ای در تدریس

کتاب حاضر به قلم نویسندگان محترم شهید آل‌هاشم و محمدرضا بقایی نگاشته شده و از سوی انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش (نشر اجا) چاپ و منتشر شده است. محور اصلی بحث در این کتاب، اخلاق حرفه‌ای در تدریس است و سعی شده که ضمن بیان کلیاتی درخصوص اخلاق، به موارد مهم و درخور توجه در زمینه اخلاق حرفه‌ای تدریس اشاره شود. مؤلف بر آن است تا این کتاب بتواند، با توجه به نیاز جهانی به اخلاق حرفه‌ای در عصر جهانی شدن و در جهان فراصنعتی، گامی هرچند کوچک در جهت شناسایی اخلاقیات در فرآیند تدریس و به تبع آن در سایر حرفه‌ها بردارد.

* * *



بررسی فقهی جنگ روانی

این کتاب نوشته شهید آیت الله سید محمد علی آل هاشم رحمته الله علیه می باشد که به همت انتشارات «نشر مهد آزادی» چاپ و منتشر گردیده است.

معرفی کتاب

گاهی دشمن با اسلحه و ابزارآلات مادی بر علیه مسلمانان، جنگ به راه می اندازد و گاهی با جنگ روانی، وارد کارزار می گردد و در مواقع و مواردی اثر جنگ روانی در تضعیف معنویات، و اراده رزمندگان مسلمانان و تضييع اهداف شان، مؤثرتر است. بنابراین، اطلاع و آگاهی به این نوع از جنگها، مستلزم شناخت شیوه هایی است که دشمن در انتشار و تبلیغ سموم و ادعاهای غیر واقعی خود، در صفوف رزمندگان و جنگجویان مسلمانان دنبال می کند و همچنین چاره اندیشی و شناخت راه ها و اسلوب دفع شر آنهاست. کتاب حاضر به صورت عالمانه، به بررسی فقهی موضوعات مستحدثه روز و یکی از موضوعات جدید یعنی جنگ روانی می پردازد که همواره مورد توجه و تأکید مقام معظم رهبری در مقابله با استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی و ملت عزیز ایران اسلامی بوده است.

نوشتار حاضر، پیرو این دغدغه در پی آن است تا با روش نقلی، بررسی نماید که ماهیت، مصادیق و احکام جنگ روانی کدام است؟ یافته های این بررسی نشان می دهد، جنگ روانی نیز در اسلام همچون بحث جهاد، با مقوله ای به نام اخلاق کاملاً آمیخته و درهم تنیده است و نمی تواند به آن بی اعتناء بماند و این مهم ترین وجه تمایز جنگ روانی در اسلام و غیر اسلام است. به همین جهت،

عبور از مرزهای اخلاق و اصل دعوت و دست یازی به جنبه هایی از جنگ روانی که در متن شریعت، مجوز و تأییدی ندارد، تنها محدود به موارد خاص و در صورت وجود دلیل های دیگری چون استفاده از اصول ثانوی، مقدور است. بنابراین روشن شد که یکی از موضوعاتی که در شرایط فعلی، کار عملی و نظری گسترده ای در حوزه علوم مختلف به ویژه حوزه فقه می طلبد، جنگ روانی یا به تعبیر مقام معظم رهبری جنگ نرم است که نسبت به جنگ سخت، از جهت کاربرد، گسترده تر، از جهت شیوه ها و ابزارها، پیچیده تر، از جهت مصادیق، متنوع تر و از جهت مبانی نظری، دینی و فقهی، دارای غنای کمتری است. مطالب کتاب در سه

بخش تهیه و تنظیم شده است:

بخش اول: مفاهیم و کلیات؛

بخش دوم: ماهیت جنگ روانی و مصادیق آن؛

بخش سوم: احکام مصادیق جنگ روانی.

سیره اخلاقی و تربیتی حضرت علی علیه السلام با رویکرد نظامی در دوران خلافت

سید محمد علی آل هاشم

پیام جمعه

خطبه های نماز جمعه تبریز

این کتاب که مشروح خطبه شهید آیت الله آل هاشم رحمته الله علیه از شروع امامت جمعه و نمایندگی مقام معظم رهبری از سال ۱۳۹۶ می باشد که در ۶ جلد تدوین گردیده است.



سخنان مهم شهید آیت الله آل هاشم در خصوص عفاف و حجاب

به مناسبت روز زن و هم مواردی که در روزهای اخیر در ارتباط با مسأله حجاب اتفاق افتاده است و بی توجهی‌هایی که این روزها در شهرهای مختلف مخصوصاً در تهران در ارتباط با حجاب مطرح شده است و احياناً مواردی که در این مورد برخی افراد مطرح می‌کنند که آیا حجاب امری است اجباری یا نه، در این زمینه گفت‌وگو داشته باشیم.

باز می‌دارد و حاصل این عفاف، حجاب و پوشش ظاهری است و به تعبیر لطیف‌تر، حجاب، میوه عفاف و عفاف، ریشه حجاب است.

عفاف و حجاب در اندیشه امام خمینی علیه السلام

حضرت امام علیه السلام در مورد حجاب و عفاف می‌فرمایند: «باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماسست. هرچه را که خدا دستور فرموده است؛ چه برای زن و چه برای مرد، برای این است که آن ارزش‌های واقعی که این‌ها دارند و ممکن است، به واسطه وسوسه‌های شیطانی با دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند، این‌ها، این ارزش‌ها زنده بشود!». بعضی از علما و

واژه‌شناسی عفاف و حجاب و تبیین ارتباط آنها

حجاب و عفاف دو ارزش والا در جامعه بشری به‌ویژه در جوامع اسلامی است. با توجه به معانی ارائه شده، حجاب امری است ظاهری و در ارتباط با جسم و تن انسان است و اگرچه پوشش حجاب در ظاهر افراد ظهور پیدا می‌کند؛ اما این نیز برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است. عفاف هم از حالات درونی انسان نشأت می‌گیرد؛ عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود. در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده می‌شود؛ گاهی به معنای خودنگهداری و پاکدامنی و گاه به معنای قناعت در مسائل مالی است. از مجموع معانی ذکر شده برای عفاف و حجاب می‌توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۵.

صاحبان اندیشه و علم بر این باورند که حجاب حق الله است و قائل هستند به اینکه حرمت حجاب زن، فقط اختصاص به زن، شوهر، برادر و فرزندان ندارد و همه اینها اگر به بی حجابی زن راضی باشند، خداوند و قرآن راضی نخواهد بود؛ چون حیثیت زن به عنوان حق الله است؛ فلذا کسی حق ندارد، بگوید من به حجاب و بی حجابی زن خود رضایت می‌دهم؛ چراکه کسی نمی‌تواند حق خدا را تصاحب کند.

اهمیت و جایگاه حجاب در قرآن

حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: حقوق خداوند متعال بزرگ‌تر از آن است که توسط بندگان ادا شود و نعمت‌های خداوند بیشتر از آن است که به شمارش بیاید. حجاب که امر خداست و شارع مقدس به عنوان یکی از احکام ضروری دین قرار داده است، باید حفظ شود. حفظ این واجب الهی، به اطاعت از خداوند است و اطاعت از او حقی است که بر بندگان نهاده شده است و هر انسانی به خاطر تعبد الهی این حق و حد الهی را باید ادا کند. پس حکمت حجاب سنجش میزان عبودیت و اطاعت بندگان است و بانوان با حفظ حجاب، می‌توانند اطاعت که روح و جسم عبادت است، اثبات کنند که در زمره عبادت‌کنندگان قرار بگیرند.

خداوند در آیه ۳۱ سوره نور حجاب را به طور صریح و آشکار مطرح نموده است و علاوه بر آن، محارم را مطرح می‌نماید تا آنها مورد توجه نگاه‌های ناپاک قرار نگیرند و احترام زنان حفظ شود: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ خُمْرَهُنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِزْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ و به زنان با ایمان بگو: از برخی نگاه‌ها چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و روسری خود را بر گریبان بپوشانند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند؛ جز برای شوهر، یا پدر یا پدرشوهر، یا پسر، یا پسرشوهر (که از همسر دیگر است) یا برادر، یا پسربرادر، یا پسرخواهر، یا زنان (هم‌کیش)، یا آنچه مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمت‌کار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی

که (به سن تمییز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند و پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند، آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید و توبه کنید تا راستگار شوید».

و در آیه ۵۹ سوره احزاب به پیامبر ﷺ دستور حجاب را نسبت به زنان آن حضرت اعلام می‌دارد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند بر خود بپوشانند. این (عمل) مناسب‌تر است تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند و خداوند آمرزنده مهربان است».

بدحجابی میراث دوره تساهل و تسامح

الحمد لله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به موضوع حجاب توجه خاصی داده شده و کارهای فرهنگی زیادی انجام گرفته شده است؛ اما در سال‌های اخیر برخی کارهایی که موجب بی حجابی و بدحجابی بانوان محترم شود، انجام شده است و این به خاطر علل مختلفی است که اشاره می‌شود: ۱. ضعف در تبیین فرهنگ اسلام؛ ۲. عدم برنامه‌ریزی جامع و مناسب گرچه برنامه‌های زیادی وجود داشته؛ ولی مسئولان محترم هماهنگی لازم را نداشته‌اند؛ ۳. ترویج فرهنگ تساهل و تسامح؛ فرهنگ تساهل از طریق رسانه‌های غربی و در برخی موارد داخلی است که موجب کم‌توجهی به حجاب شده است؛ ۴. ضعف در معرفی الگوهای مناسب؛ ۵. جنگ نرم گسترده دشمن.

دشمن به صورت شبانه‌روزی برای ایجاد فرهنگ مورد نظر خود در کشور و برای نفوذ و اثرگذاری در ایران اسلامی با شیوه‌های گوناگون تبلیغی و از طریق رسانه‌ها، هجمه گسترده‌ای علیه مبانی اعتقادی و اخلاقی و بنیان‌های خانواده شکل داده است که در برخی جاها، متأسفانه اثرگذاری داشته است و تلاش می‌کنند، حجاب را که نمونه عینی اسلامی و ایرانی بودن زن ایرانی است را استحاله کرده و الگوی زن غربی را که جز برهنگی و برده‌داری زن توسط مردان هوس‌باز، برای زنان نتیجه‌ای ندارد، در زن مسلمان پیاده کنند. به این جهت لازم است، همه زنان و بانوان محترم اسلامی در عین حالی‌که به رسالت خود عمل و در تمامی عرصه‌ها ایفای نقش و انجام وظیفه می‌کنند، نسبت به حجاب و عفاف خود، بیش از پیش اهتمام کنند.



سید محمدعلی هم پدرم بود و هم پسرم...

گفت و گو با پدر آیت الله شهید سید محمدعلی آل هاشم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

پدر شهید آل هاشم که خود از روحانیون برجسته تبریز است، در خصوص دوران کودکی پسر شهیدش می گوید: سید محمدعلی فرزند بزرگتر من بود که از بچگی مورد علاقه خاندان آل هاشم بود. همه فامیل، همسایگان و دوستان او را دوست داشتند. علاقه وافری به علم و روحانیت داشت و با اختیار و علاقه خودش و تشویق ما به حوزه علمیه تبریز و بعد به حوزه علمیه قم رفت. از بچگی تا روز شهادتش متواضع و مؤدب بود. از اول انقلاب هم، به انقلاب به امام و به نظام خدمت و تبلیغ می کرد. علاوه بر دروس حوزه علمیه، به دانشگاه رفت و دکترا گرفت.

از نمایندگی ولی فقیه در ارتش تا نمایندگی حضرت آقا در آذربایجان

سید محمدعلی، توسط حضرت آیت الله ملکوتی به ارتش معرفی شد. بعد از مسئولیت های مختلفی که در ارتش جمهوری اسلامی داشت، با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه تبریز و نمایندگی ولی فقیه در استان منصوب شد. ۷ سال در تبریز در سنگر امام جمعه مشغول تبلیغ شد و مشکلات مردم را حل می کرد. هرکجا دعوت می شد، به دیدار خانواده شهدا، عیادت بیماران و دیدار روحانیون سالخورده می رفت و جمعه ها هم، قبل از نماز جمعه با مردم دیدار داشت و به مشکلات آن ها رسیدگی می کرد. در حوزه علمیه نیز تدریس داشت. بدون تأخیر در همه جا حاضر می شد. در بازار قدم می زد و با کسبه و اهل بازار دیدار و مشکلات آن ها را حل می کرد. با همه گروه ها و اقشار مختلف دیدار داشت و با آن ها از نزدیک گفت و گو می کرد. برخورد و اخلاق او با مردم بسیار خوب بود.

واکنش مردم نسبت به

شهادت آیت الله سید محمدعلی آل هاشم رحمته الله علیه

بعد شهادت سید محمدعلی، روزی بعد از نماز به منزل می رفتم. دیدم جلوی در خانه ما خانمی ایستاده و گریه می کند. گفت: من یک برادر دارم که به هیچ کسی معتقد نیست؛ حتی نماز نمی خواند و روزه نمی گیرد؛ اما مرید آل هاشم است و در تشییع جنازه عکس ایشان را در دست گرفته بود و گریه می کرد و می گفت که من ایشان را خیلی دوست داشتم و صحبت های شان را گوش می کردم. از دستمان رفت. بعد از خاک سپاری نیز دخترانی که به تازگی به سن تکلیف رسیده بودند و سید محمدعلی برایشان نماز خوانده بود، با گل سر مزار سید محمدعلی رفتند و اقشار مختلف خانم ها با هر نوع پوشش می آمدند و گل می آوردند و گریه و اظهار تأسف می کردند.

موفقیت شهید خدمت به یمن دعای مادرش در مکه

زمانی که سید محمدعلی یک سال داشت، به مکه مکرمه مشرف شده بودیم. شنیدم که مادرشان با خدا راز و نیاز می کند و می گوید: خدایا این سید محمدعلی را یک روحانی عامل و سخنران و دانشمند قرار بده. به برکت دعای مادرش و تربیت او بود که شخصیت سید محمدعلی این طور شکل گرفت. در همه سال هایی که درس می خواندند، در دانشگاه یا مدارس دینی و در همه مراحل و امتحانات، مادرشان شرکت و تشویق می کرد.



ارتباط دوستانه و بی تکلف بین پدر و پسر

من با ایشان مشورت می کردم و ایشان با من. هم فکر و هم نظر بودیم. من آنچه تجربه داشتم، به ایشان می گفتم و ایشان نیز بعضی سؤالات را از من می پرسید و بعضاً من از ایشان استفاده می کردم. علاقه بسیار زیادی به رهبری، انقلاب، نظام، امام و شهدا داشت. ایشان علاوه بر اینکه پسر من بود، پدر من هم بود. سید محمدعلی را از چند جهت دوستش داشتم؛ اول اینکه اسم او هم نام با پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بود و همچنین بسیار شبیه پدرم بودند. به خاطر همین گفتم که هم پسر من بود و هم پدر من.

در وصیت نامه اش نوشت که من شهید می شوم

سید محمدعلی خودش می دانست که شهید خواهد شد. سه چهار سال قبل در وصیت نامه نوشته بود که من شهید خواهم شد و آرزوی شهادت دارم و من سومین شهید محراب از سادات خواهم بود. او با ۳۵ واسطه به سیدالشهدا می رسید و پیکر او و همراهان شهیدش نیز مانند شهدای کربلا در جنگل ها و بیابان ها ماند.

خاطره پدر شهید خدمت از دیدار با امام خامنه ای

آیت الله سید محمدتقی آل هاشم در خصوص برخورد مقام معظم رهبری، با ایشان در خصوص دیدار خانواده های شهدای خدمت با حضرت آقا گفت: مقام معظم رهبری قبل از امامت جمعه آیت الله سید محمدعلی ما را می شناختند. در این دیدار بسیار به ما محبت فرمودند. در این دیدار، بنده به خاطر کمردردی که دارم، جلوی آقا زمین خوردم. بلافاصله حضرت آقا با دست مبارکشان مرا از زمین بلند کردند و بسیار به من محبت کردند.

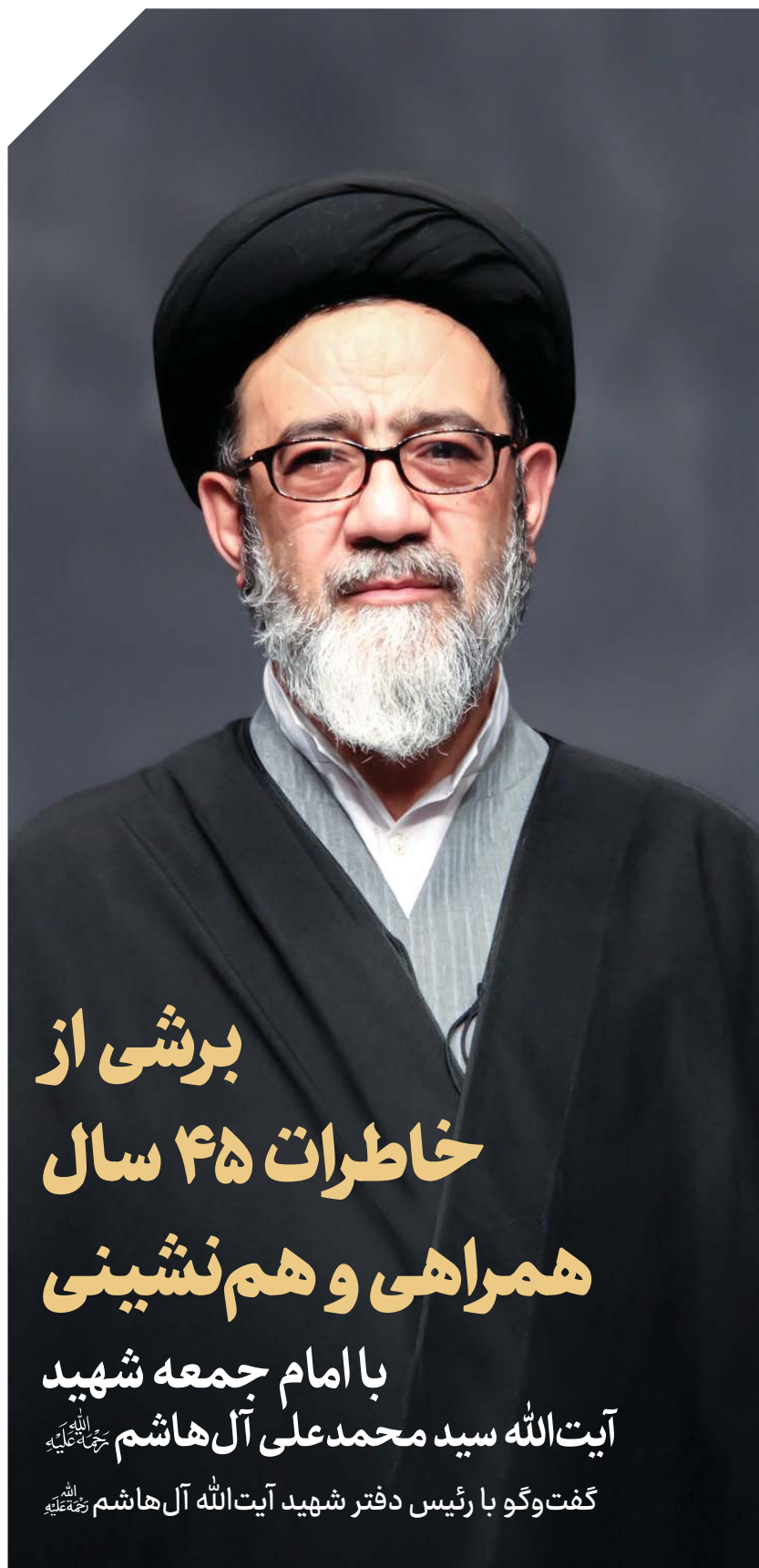
سید محمدعلی آل هاشم رحمة الله عليه، امام جمعه تبریز و نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی بود. او نمایندگی مردم آذربایجان شرقی در دوره ششم مجلس خبرگان رهبری را بر عهده گرفت و قبل از آن، در سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز، مسئولیت‌هایی داشت. در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ش، وی همراه سیدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور ایران در سانحه هوایی جان خود را از دست داد. هفته‌نامه افق حوزه در تکریم و بزرگداشت این شهید والامقام در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی فقیه، رئیس دفتر شهید آیت‌الله آل هاشم رحمة الله عليه، به بررسی سیره اخلاقی این شهید بزرگوار پرداخته است.

سابقه ۴۵ ساله رفاقت

شهادت شهیدای خدمت، حضرت آیت‌الله رئیسی، وزیر امور خارجه و استاندار شهید و آیت‌الله آل هاشم، سردار موسوی و تیم پرواز را خدمت همه مردم ایران تسلیت عرض می‌کنم و غفران و رضوان الهی را برای ارواح این شهدا از خدای سبحان مسئلت دارم. من با شهید آیت‌الله آل هاشم بیش از ۴۵ سال زندگی کردم، خدمت کردم، هم‌خانه بودیم و جزئیات زندگی و اسرار زندگی همدیگر را می‌دانستیم. من خیلی از ویژگی‌های ایشان را سراغ دارم که به برخی از آنها اشاره می‌کنم که برای مردم هم الگویی باشد.

حضور در مناطق عملیاتی غرب و جنوب

قبل از آنکه ایشان به امامت جمعه منصوب شوند، بدون استثنا در ایام تعطیلات عید نوروز در مناطق عملیاتی غرب و جنوب حضور داشتند؛ البته بارها هم در دوران امامت جمعه‌شان در مناطق عملیاتی حضور پیدا کردند. هیچ تماس تلفنی را بی‌پاسخ نگذاشت. اگر در جلسه بود و چند نفر تماس گرفته بودند و نتوانسته بود، جواب دهد، دوباره خودش بعد از جلسه تماس می‌گرفت و می‌گفت که شما با من تماس داشتید و نتوانستم، به تماس شما جواب دهم. اینها برای ما و برای عامه مردم الگوست. به بازار رفت‌وآمد می‌کرد و از کسبه و مردم دل‌جویی می‌کرد. ما یک دیدار با معمرین داشتیم و ایشان شخصاً حضور پیدا کرد و گفت که این دیدار برای من شیرین‌تر است؛ چون هم برای خودم عبرت است و هم از وضعیت زندگی ایشان مطلع می‌شوم.



برشی از
خاطرات ۴۵ سال
همراهی و هم‌نشینی
با امام جمعه شهید
آیت‌الله سید محمدعلی آل هاشم رحمة الله عليه
گفت‌وگو با رئیس دفتر شهید آیت‌الله آل هاشم رحمة الله عليه



اشراف کامل مرحوم آل هاشم رحمه الله به مدیریت استان و تبریز

آیت الله شهید سید محمدعلی آل هاشم رحمه الله دارای اشراف کامل به مدیریت استان و تبریز بوده و در شورای تأمین و در تأمین امنیت استان نقش مؤثری داشتند. زمانی که جنگ بین قوه باغ و آذربایجان اتفاق افتاد، هنوز موضع جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی اعلام نشده بود، البته موضع ایران بی طرفی بود؛ لکن با ورود آیت الله آل هاشم و با هدایت ایشان و صدور بیانیه چهار امام جمعه تبریز، اردبیل، ارومیه و زنجان، آن موقعیت دیپلماسی ایران روشن شد و مورد تأیید و حمایت وزارت خارجه و دفتر مقام معظم رهبری بود. این یک دیپلماسی قوی بود. ضمن اینکه برای امنیت استان نیز خیلی اثرگذار بود.

حمایت از مدیران دستگاهها و سازمانها

ایشان از مدیران دستگاهها و سازمانها برای اینکه در قوت و جایگاه خوبی قرار بگیرند، حمایت می کرد؛ اما به موقع هم تذکرات خدمتی و احیاناً تذکرات اجرایی را هم ابلاغ می کرد. اگر جایی

احساس می کرد که یک مدیر نقص یا ایرادی دارد، در جای خود تذکر جدی می داد. ایشان از حقوق عامه مردم دفاع و حمایت می کرد. اگر نیاز بود خود با وزارتخانه صحبت کند، مستقیماً با وزارت مربوطه صحبت می کرد و در تأمین نیازمندی های استان سهم به سزایی داشت.

تدابیری برای ارتباط نزدیک تر با مردم

اوایل ورود ایشان به تبریز، موانع و نرده های مصالای نماز جمعه را برداشتند تا بین مردم و مسئولان حائلی نباشد و رفت و آمد ایشان به مصلی و نماز جمعه، از محل عمومی رفت و آمد مردم بود. ماه مبارک رمضان ایشان نماز ظهر و عصر را در مصلی اقامه می کرد. من شاهد بودم قبل از نماز ظهر، شاید حدود یک ساعت و شاید هم بیشتر، به مراجعات عمومی مردم پاسخ می داد. روزانه خود ایشان شخصاً ۱۴۰-۱۳۰ نفر را می دید و به مشکلات آنها رسیدگی می کرد؛ حتی اگر لازم بود، می گفت: اگر حل نشد، دوباره برگرد. آن هم با گشاده رویی و خیلی راحت برخورد می کردند و واقعاً گره گشا بود.

پیگیری مشکلات رفت و آمد دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذرشهر

زمانی به یاد دارم برای اینکه مشکل رفت و آمد دانشجویان دانشگاه شهید مدنی در آذرشهر را برطرف کند، خودش شخصاً با قطار تا آذرشهر سفر کرد تا از نزدیک مشکلات را ببیند و با وزارتخانه هم صحبت کرد و نسبت به رفع آن قدم خوبی برداشته شد.

جلوگیری از تعطیلی بازار در ایام اغتشاشات

این شهید بزرگوار آن قدر در این اغتشاشات اخیر وسعت نظر داشت و برای اینکه بازار تعطیل نشود، یک روز به من گفت: آقای فقیه! مدیران اصناف را برای صبحانه دعوت کنید. گفتم: برنامه‌ای دارید؟ فرمودند: بله، می‌خواهم با اینها صحبت کنم که نکنند، زمانی بازار تعطیل شود و دشمنان از این فرصت استفاده کنند. حدود ۱۵۰-۱۴۰ نفر از صنوف مختلف بازاریان و کسبه را برای صبحانه دعوت کردیم. ایشان با متانت و با خوش خلقی و خوش برخوردی با اینها صحبت کرد و آنها هم وعده دادند و همین اتفاق هم افتاد.

حضور در مراسم ختم شهدا و مؤمنین

مرحوم آیت الله آل‌هاشم سعی می‌کرد، در مراسم ختم شهدا و مؤمنین حضور پیدا کند. نه تنها در مراسم شهدا و جانبازان، بلکه در مراسم ختم عموم مردم شرکت می‌کرد. در تشییع جنازه‌ها شرکت داشت، نشد تشییع جنازه جانباز و شهیدی نرود. ایشان والدین شهدا و ایثارگران رارد نمی‌کرد و حتماً حضور پیدا می‌کرد. گاهی با وسایل نقلیه عمومی رفت و آمد می‌کرد. ایشان یک الگوی کامل مدیریتی برای مدیران اجرایی استان و کشورمان بودند. ایشان معمولاً در مأموریت‌شان به تهران سعی می‌کرد، به تنهایی برود. محافظین اصرار داشتند که ایشان را همراهی کنند؛ اما ایشان می‌گفت: اگر ضرورتی بود، خودم اطلاع می‌دهم. ایشان همین‌طور به تنهایی رفت و آمد می‌کرد.

سرکشی به بیماران و گرفتاران در ایام تعطیلات

در ایام تعطیلی ما عامه، مردم نزد خانواده هستیم و تفریح می‌کنیم؛ اما ایشان در ایام تعطیلی و یا اعیاد، به کلانتری، اورژانس و بیمارستان‌ها می‌رفتند که سر بزنند و از آن‌ها دل‌جویی کنند. انصافاً حاج‌آقای آل‌هاشم رحمته‌الله علیه آدمی بود که کینه در دل



ارتباطات نزدیک با دانشجویان

ایشان بدون اینکه به رئیس دانشگاه اطلاع دهد، نیمه شب، ابتدای شب، وقت و بی‌وقت در خوابگاه دانشجویان و حجره طلبه‌ها شاهد حضور حاج‌آقا بود. با آنها ارتباط برقرار و آنها را جذب می‌کرد. دوستانی که در مصلی حضور پیدا می‌کنند، می‌دانند که جمعیت مصلی بعد از حضور حاج‌آقا روزه‌روز افزایش پیدا کرد و جابری نمازگزاران نبود و بعد از این افزایش جمعیت بود که فاز دوم مصلی را افتتاح کردند.



نداشت. من اصلاً ندیدم در طول این ۴۵ سال از کسی کینه به دل داشته باشد. شاید یک ساعتی قهر می‌کرد و یا ناراحت می‌شد؛ اما این را با گشاده‌رویی جبران و حل می‌کرد.

حضور در ورزشگاه یادگار امام علیه السلام

اوایل آمدن ایشان به تبریز که مقارن با ایام اغتشاشات بود، گفت: من می‌خواهم بعد از نماز جمعه در ورزشگاه یادگار امام حضور پیدا کنم. تیم محافظان مخالفت کردند، با هر کسی که صحبت کرد، هیچ‌کسی موافق نبود که ایشان به آن منطقه اعزام شود؛ چون اگر ۷۰ هزار نفر جوان، خیابان و مسیرها را می‌بستند، اتفاق ناگواری رخ می‌داد؛ ولی ایشان وارد ورزشگاه شد، جوانان استقبال کردند و هیچ اتفاقی هم نیفتاد؛ یعنی بعد از آن مسابقه، جوانان خیلی راحت و آرام به منزل، مغازه‌ها و سرکارشان برگشتند و اتفاقی هم نیفتاد.



توجه به هنرمندان ارزشی و انقلابی

ایشان چند فیلم در حال ساخت را از نزدیک دیدن کرد؛ سریال جلال، فیلم منطقه پرواز ممنوع، فیلم موقعیت مهدی، فیلم به وقت شام، فیلم غریب و... اینها فیلم‌ها و سریال‌هایی بودند که ایشان از نزدیک از اینها دیدن کرد. ایشان یک شخصیت جامعی بود که همگان را به دور خود جمع کرده بود. فردی بود مصداق این آیه شریفه که خداوند در قرآن در مورد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ ای پیامبر! اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند؛ اما آقای آل‌هاشم، این شهید بزرگوار، این خصلت و ویژگی را داشت که توانست، با گشاده‌رویی و با همراهی مردم، دوستانه انقلاب را روز به روز افزایش دهد. مصلی و همین بیت، شاهد حضور دوستانه اران ولایت و اهل بیت علیهم السلام بود که ما برای این شهید بزرگوار علو درجات را آرزو می‌کنیم.

کمک کرد تا اثاثیه منزل را بار زدیم و به سوی آذربایجان و منطقه حرکت کردیم.

بالآخره این شهید بزرگوار هرچند که به مقام قرب و به مقام امن رسید و مردم هم خوب از ایشان تجلیل کردند و احترام گذاشتند؛ اما رفتن ایشان ضایعه‌ای برای ما، برای خانواده‌شان و برای ملت و استان مان بود. امیدوارم ان شاء الله با اولیای الهی محشور شوند و ارواح شهیدان دعاگوی همه ما باشد و خداوند خاتمه زندگی ما را ختم به شهادت مقدر فرماید ان شاء الله.

سخن آخر

این خاطره را هم خدمتتان عرض کنم: زمانی که به پیشنهاد و به دعوت این شهید بزرگوار بنا شد که به مجموعه ارتش پیوندم و انجام وظیفه کنم، قلباً خیلی تمایل نداشتم؛ ولی به خاطر رفاقتی که با حاج آقا داشتم، پذیرفتم. آن زمان در قم زندگی می‌کردم. روزی ایشان با یک خودروی باری به قم آمد و به همراهی چند نفر دیگر

۱. آل عمران، ۱۵۹.



رفت و آمد با تاکسی و مترو

دومین خاطره‌ای که برای کل مردم آذربایجان رقم زد، این بود که هر جایی می‌رفت، حتی زمان پیاده‌روی، وارد مغازه‌ها می‌شد و با کسبه احوال‌پرسی می‌کردند. بسیاری از مردم تبریز او را در خیابان، مغازه‌ها و حتی تاکسی و مترو می‌دیدند. بارها شنیدم که مردم در همین واگن‌های مترو مشکلاتشان را با او در میان می‌گذاشتند و از او راهنمایی می‌گرفتند.

خاطره‌ای که مردم آذربایجان فراموش نمی‌کنند

علی‌اکبر پورخردمند، شهردار منطقه پنج تبریز: چند سال پیش شهردار منطقه ۳ تبریز بودم و دفتر حاج‌آقا آل‌هاشم در حوزه استحفاظی ما قرار داشت و این اتفاق باعث شده بود، بیشتر ایشان را ببینم. جلساتی هم که خدمتشان می‌رفتیم، تمام تأکیدشان قانون‌مداری و تعامل ارگان‌ها برای توسعه هر چه بهتر شهر بود.



همه بازیکنان را به اسم می‌شناخت

اسماعیل قلیچ‌خانی، رئیس کانون هواداران باشگاه تراکتورسازی: حاج‌آقا آل‌هاشم اصالتاً تبریزی و در محلات همین شهر بزرگ شده بود. فوتبال و تیم تراکتورسازی را دوست داشت. به چشم خودم دیده بودم که پیگیر نتایج بود و از برد تیم خوشحال و از باخت‌اش غمگین می‌شد. ارتباط خوبی هم با هواداران و

حذف نرده‌ها بین مردم و مسئولین در نماز جمعه

او دو خاطره مهم برای مردم آذربایجان شرقی رقم زد که باور دارم، هیچ زمانی فراموش نخواهند شد. اولین خاطره حذف نرده‌های وی‌آی‌پی در نماز جمعه بود تا به قول خودش، بساط طبقاتی شدن جمع شود و مردم از هر گروه و صنفی بتوانند، هر جایی که دوست دارند بنشینند؛ حتی نزدیک به امام جمعه. حاج‌آقا پایه‌گذار این شرایط بود و تاجایی که به خاطر دارم، پس از آن در دیگر شهرهای کشور هم همین اتفاق رخ داد.

لیدرهای تراکتور داشت و بچه‌ها هم به حرفش گوش می‌کردند. نقطه قوت این صمیمیت این بود که اسامی اکثر لیدرها و فعالان کانون هواداران باشگاه را می‌دانست و همین باعث می‌شد که ارتباط صمیمانه‌تری داشته باشند. مشکلی هم بود، هر زمان که فرصت داشت، پای حرف‌های مان می‌نشست و راهنمایی می‌کرد. یکی از مهم‌ترین خاطراتی که از حضورش در ورزشگاه دارم، بازی تراکتور - استقلال در تبریز بود.

آن زمان اتفاقی در تهران رخ داده بود و هواداران یکی از تیم‌ها حرکات بدی را انجام داده بودند. همه فکر می‌کردند که حالا هواداران تراکتور هم قصد تلافی داشته باشند و انتظار می‌رفت که جو بازی متشنج شود. حاج‌آقا متوجه این موضوع شدند و ما را شب قبل از بازی، شام دعوت کردند. توصیه‌شان این بود که جو ورزشگاه آرام باشد تا تیم نتیجه بگیرد.

دقیقاً یادم هست که آن بازی با شرایط خاصی آغاز شد؛ اما زمانی که از بلندگوهای ورزشگاه اعلام کردند که حاج‌آقا هم در ورزشگاه حضور دارد، جو آرام شد. کل هواداران تراکتور او را تشویق کردند و به احترام حضورش در ورزشگاه آن بازی با وجودی که در نهایت بدون گل مساوی شد، اما بدون حاشیه به پایان رسید.



من رو شناختید؟!

اروج رضایی، نانوایی در تبریز می‌گوید: حاج‌آقا اولین باری که به مغازه نانوایی ما وارد شد، نشناختمش. سلام کرد و یک جواب سلام ساده دادم. با بقیه مشتری‌ها احوال‌پرسی کرد. بعد رو به من کرد و گفت: «من رو نشناختین؟»، گفتم: «راستش نه حاج‌آقا!» خندید و گفت: «پس نماز جمعه نمایین؟»

چند نان بربری خرید و رفت و چند روز بعد دوستان تماس می‌گرفتند و می‌پرسیدند که امام جمعه تبریز از مغازه ما نان خریده و عکس‌های مان در فضای مجازی پخش شده.

آن روز فهمیدم که خودش مایحتاج روزانه‌اش را خریدار می‌کرده است. در پیاده‌روی‌هایش داخل مغازه‌ها هم می‌شده و با صاحبانش خوش و بش می‌کرد. یکبار از من خرید کرد؛ اما رفتار و منشی که داشت، در ذهنم مانده است. سال‌هاست که هر روز با مردم سروکار دارم و اما رفتار خوب و مهربان امام جمعه تبریز، نشان می‌داد که آدم متشخصی است. از وقتی شنیدم که همراه رئیس‌جمهور، شهید شده، آن خاطره اولن دیدارم با ایشان در ذهنم بالا و پایین می‌شود و اشک می‌ریزم. حیف شد!



یکی نه! دو تا بگیر

کتایون احمدی، خبرنگار خبرگزاری فارس در آذربایجان شرقی: علاقه زیادی به جوان‌ها و نوجوان‌ها به‌ویژه دانشجویان داشت. همیشه تأکید می‌کرد: «دانشجو فرزند خوب مان است.» جاذبه و ویژگی‌های شخصیتی‌اش باعث شده بود که این علاقه دو طرفه باشد و هر وقت میان آنها بود، زمان زیادی هم به انداختن عکس‌های سلفی با این جوان‌ها می‌گذشت. وقتی که از او تقاضا می‌کردند، یک عکس مشترک بگیرند، به شوخی پاسخ می‌داد، یکی نه! دو تا بگیرید.





شریک حال خوب و بد همه مردم

فرزاد ملازاده، سرپرست همشهری در آذربایجان شرقی: هیچ حوزه‌ای را در آذربایجان شرقی پیدا نمی‌کنید که ردی از حضور صمیمانه حاج آقا هاشم در آنجا وجود نداشته باشد. توجه عجیبی به مطبوعات و رسانه‌ها داشت و حتی در نمایشگاه‌های استانی هم شرکت می‌کرد.

توجه جالبی به زندگی افراد هم داشت و به نوعی در اتفاقات خوب و بد کنارشان بود. شهریور ۱۴۰۲ پدرم فوت کرد و در زمان تشییع جنازه، تلفنم زنگ خورد. حاج آقا پشت خط بود، تسلیت گفت و به من دلداری داد. آن لحظه عجیب حال خوبی داشتیم و برایم جالب بود که امام جمعه تبریز حتی به غم همشهریان‌ش هم بهای می‌دهد.

هر ورزشکاری که در استان مقام می‌آورد، یا هنرمند و عکاسی که برنده جایزه می‌شد، با آنها تماس می‌گرفت و تبریک می‌گفت. مردم آذربایجان احترام زیادی برای او قائل بودند و هیچ زمانی نگاه سیاسی به او نداشتند؛ چون موج جدیدی در این شهر ایجاد کرد که همه به شخصیت یک امام جمعه علاقه‌مند شدند. تا کنون هزاران بار این جمله را از خیلی‌ها شنیده‌ام؛ «حیف شد!»

احترام به زنان

تابستان سال ۹۸ بود و مراسم افتتاح طرح محرومیت‌زدایی. از برخی افراد هم تقدیر شد و یکی از آنها بانویی بود که هدیه از دستش به زمین افتاد. امام جمعه شهید تبریز برای حفظ حرمت او خم شد و تقدیرنامه را برایش برداشت. مدت‌های زیادی این تصویر از آیت‌الله آل‌هاشم به عنوان خضوع او در مقابل مردم و به‌ویژه بانوان در فضای مجازی و سایت‌های خبری بازنشر می‌شد.

حذف فاصله مردم و مسئولان

بهمن ۱۳۹۶ بود که برای اولین بار نماز جمعه تبریز بدون نرده‌های جداکننده بین صف مسئولان و مردم برگزار شد. شهید آیت‌الله آل‌هاشم، در اقدامی جالب دستور به حذف تمام نرده‌های جداکننده در نمازجمعه داد که به شدت مورد استقبال مردم و رسانه‌ها قرار گرفت. تقریباً یکسال بعد هم، این اقدام در تهران انجام شد و بخشی‌هایی از نرده‌های حائل میان نمازگزاران و مسئولان را حذف کردند.



فرزندی که پدر شد

خرداد ۱۳۹۶ بود که سید محمدعلی آل‌هاشم به عنوان امام جمعه تبریز و نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی انتخاب شد. انتخابی که تصویری از او هنگام دست‌بوسی پدر هم مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. شهید آل‌هاشم در خاطره‌ای در این باره گفته: «آن روز پدرم به من گفتند که شما تا دیروز فرزند من بودید؛ اما از زمانی که حکم شما از سوی رهبر معظم انقلاب آمده است، علاوه بر فرزند، در کسوت پدر من نیز هستم.»



نماینده ولی فقیه‌ی که راننده یک سرباز شد

سرباز بودم و از خسروشاه به تهران رفته بودم و آنجا گفتمند: فلان مدرکت ناقص است و باید بروی و از فلان نقطه تهران آن را بگیری و بیاوری؛ اما جایی بودم که علی‌رغم ازدحام خودروها در اتوبان کسی نبود که سوارم کند. مسیر هم طوری نبود که بتوانم پیاده بروم. حتی وقتی دربست می‌گفتم، باز توجهی نمی‌کردند.

یک دفعه خودرویی مقابلم ایستاد و شیشه را پایین داد و گفت: «آی سرباز... کجا میری؟» نگاهی به راننده انداختم؛ یک سید روحانی بود. گفتم: حاج آقا منتظر تا کسی هستم. او با نگاه مهربانی گفت: «سوار شو!» گفتم: راضی به زحمت نیستم؛ گفت: «نه سرباز ما هستی و من هم باید کمکت کنم.»

با خجالت سوار شدم. سر صحبت را باز کرد؛ مثل سؤال‌های همیشگی: کجا خدمت می‌کنی و چقدر از خدمت مانده و... من هم جوابش را دقیق می‌دادم. مقصدم طوری بود که باید چندتا ماشین و مسیر عوض می‌کردم. گفتم: حاج آقا هر جا که تا کسی باشد، من رو پیاده کن! بیشتر از این زحمت نمی‌دهم. مسیر رو پرسید و گفت: «چشم!»

نیم‌ساعتی رانندگی کرد و آخر مرا مقابل ساختمانی که باید می‌رفتم، پیاده کرد. از خجالت آب شده بودم. می‌دانستم به خاطر غریبی من، این زحمت را به جان خریده است. موقع پیاده شدن، گفتم: حاج آقا شما ارتشی هستید؟ گفت: «بله!» گفتم: می‌توانم اسم‌تان را بپرسم؟ گفت: «آل‌هاشم هستم». تشکر کردم و پیاده شدم. راستش آن موقع نمی‌دانستم، رئیس کل عقیدتی سیاسی ارتش زحمت جابه‌جایی من را شخصاً متحمل شده است؛ بدون اسکورت، بدون تشریفات!

بعدها یادم افتاد و از سربازی پرسیدم: آل‌هاشم می‌شناسی؟ گفت: «بله، رئیس عقیدتی سیاسی کل ارتش است.» من سرجایم می‌خکوب شدم. هرگز یادم نمی‌رود که ایشان چقدر افتاده و بی‌منت به یک سرباز عادی در شهری غریب کمک کرد.

منبع: نصرنیوز



در میان مردم، شنونده سخنان شما بودم

حجت‌الاسلام والمسلمین رسول عبداللہی که امامت موقت جمعه تبریز را برعهده دارد، نقل می‌کند: آیت‌الله آل‌هاشم با مردم

مهربان بود و به خانه آنها رفت و آمد داشت؛ حتی به خانه افراد بی‌نام و نشان می‌رفت و چتر حمایت او بر سر همه سلاقی، جناح‌ها و قشرها در استان بود؛ به‌گونه‌ای که همه خودشان را به او نزدیک می‌دیدند، او به حدی با مردم مهربان بود که از روزهای نخست حضور در جایگاه امامت جمعه تبریز، نرده‌های جداکننده افراد در نمازجمعه را برچیدند.

خاطره‌ای از آیت‌الله آل‌هاشم دارم که دلیل بر محبوبیتش بین مردم است: پارسال در یک مراسمی که از سوی هیأت رزمندگان اسلام در شهر تبریز برگزار گردیده بود، بنده سخنرانی داشتم. اندکی بعد از این مراسم، آیت‌الله آل‌هاشم نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز با من تماس گرفت و از مباحث طرح شده در این آیین تشکر کرد. از شهید آیت‌الله آل‌هاشم پرسیدم که شما را در آن آیین ندیدم! ایشان پاسخ داد که من در میان مردم، شنونده سخنان شما بودم.



امام جمعه‌ای که به «سید شریف» مشهور بود

الله‌وردی دهقانی، نماینده ورزقان: شهید آل‌هاشم رحمته‌الله شخصیتی بود که مردم او را «سید شریف» خطاب می‌کردند. فردی باتقوا و مردم‌دار بود. آنچه که او را متمایز می‌کرد، این بود که به مشکلات مردم توجه می‌کرد. در دفتر او به روی آحاد مردم باز بود. در همه محافل حضور داشت تا بتواند، به مسائل مردم و دردمندان رسیدگی کند. به‌خاطر همین رفتارش، شهره عام و خاص بود. این‌گونه نبود که تنها خواص و عده‌ای برگزیده دور او را گرفته باشند. چه در نمازجمعه و چه در بیت و دفترش، همه برای او از منظر حرمت یکسان بودند.

با نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان هم تعامل ویژه‌ای داشت و هر وقت به سراغش می‌رفتیم و نیاز به مشورت داشتیم، با روی گشاده استقبال و همکاری و راهنمایی می‌کردند؛ حتی مسائل و سؤالاتی اگر میان نمایندگان مجلس و مسئولان دولتی پیش می‌آمد، پیگیری و راهنمایی می‌کردند. در جلسات میان نمایندگان مجلس و مسئولان اجرایی استان هم حضور فعال داشت. برای کارهای عمران و آبادی استان، جلودار بود؛ حتی برای مسائل اقتصادی و به راه افتادن مشاغل و تولید در استان بجد پیگیر بودند. نمونه‌اش همین آخرین سفر و حضور برای افتتاح سد قلعه‌قیز بود که درنهایت در راه خدمت به استان و آرمان‌های انقلاب شهید شد و مزد این خدمات را دریافت کرد.

جلوی بیت شهید آل هاشم جمع شده بودند و شعارهایی در تأیید سپاه می دادند. من نیز برحسب وظیفه عکاسی می کردم. همان زمان، آیت الله آل هاشم بالباس مقدس سپاهی جلوی بیت حضور پیدا کردند و فرصتی شد تا چند فریم عکاسی کنم. پس از آن، در بیت شان، خودشان درخواست کردند تا چند فریم از ایشان پرتره بگیرم و گفتند: «این عکس ها را بگیر تا روزی که به عنوان سومین شهید محراب تبریز شهید شدم، از این عکس هایم در لباس سپاه استفاده کنید.» بعد از این ضایعه، تنها عکسی که از ایشان در ذهن داشتم، همین عکس بود.



ماجرای سلفی جوانان با امام جمعه شهید تبریز

مسئول رسانه دفتر شهید آل هاشم: شهید آل هاشم رحمته الله علیه اعتقاد داشتند که روحانی باید از بدو تولد و اذان تولد تا لحظه اقامه نماز میت در میان مردم و برای مردم باشد و به این اعتقادشان پای بند بودند و با حوصله تمام عمل می کردند. در شادی ها و غصه های مردم در کنارشان بودند. موفقیت ها را تبریک و مصیبت های وارده را همیشه چه حضوری و چه تلفنی تسلیت می گفتند. نمونه های زیادی از همین تبریک ها و تسلیت ها در خاطر خیلی از مردم تبریز است و بعضاً باعث شگفت زدگی هم شده است.

شهید آل هاشم علاوه بر اینکه با اقشار مختلف ارتباط خوبی داشت، با افراد در سنین مختلف هم صمیمیت خاصی داشت. از پیرمردها گرفته تا جوانان و نوجوانان همیشه مورد مهر و محبت او بودند. جمعه ای نبود که موقع ورود یا خروج از نماز جمعه نوجوانان گوشی به دست به دنبال گرفتن عکس سلفی با او نباشند. همین برخورد پدران، میانگین سنی نمازگزاران جمعه تبریز را خیلی جوان تر کرده بود و حتی سالی چند بار با تدبیر امام جمعه شهید کلیه امور اجرایی نماز جمعه اعم از قرائت قرآن، مجری گری، مکبری و حراست نماز جمعه به همین نوجوانان و دانش آموزان و جوانان دانشجو سپرده می شد. بارها تربیون سخنرانی پیش از خطبه به دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر سپرده شد. زن و مرد، جوان و نوجوان، بارها در پشت این تربیون مطالبه گری یا تبیین کردند. استاد و معلم قرآن، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، بهترین تعبیر را برای رفتار و گفتار شهید آل هاشم داشت و او را مصداق از مردم با مردم و برای مردم خواند.



وصیت شهید آل هاشم به عکاس تبریزی

بهزاد پروین قدس، عکاس مستند اجتماعی، جنگ و دفاع مقدس، درباره سال ها عکاسی از آیت الله آل هاشم امام جمعه تبریز می گوید: توفیق داشتم از دوران جوانی سال ها در محضر آیت الله آل هاشم در جایگاه نماینده ولی فقیه در استان باشم و در مقاطع مختلف، از ایشان و مجالس شان عکاسی می کردم. ایامی که هجمه ای علیه سپاه پاسداران صورت گرفت، مردم

فیلم‌ها و تئاترهایی که شهید آل‌هاشم علیه السلام در سینما تماشا کردند

فیلم‌ها و تئاترهایی که امام‌جمعه شهید تبریز از بدو حضور در تبریز در سینماها و سالن‌های تئاتر تماشا کردند یا از پشت صحنه‌شان بازدید داشتند؛ فیلم‌هایی اعم از: «فیلم به وقت شام، فیلم موقعیت مهدی، سریال جلال روایتی از مبارزات انقلابی منتهی به قیام ۲۹ بهمن تبریز در سال ۵۶، فیلم منطقه پرواز ممنوع، فیلم غریب، فیلم منصور، تئاتر تکه‌های سنگین سرب (روایتی از زندگی شهید چمران)، تئاتر «گوش‌هایم را بشنو» (روایتی از زندگی جانبازان اعصاب و روان)، تئاتر سرد سرخ تبریز (روایتی از ثقه‌الاسلام و برخی از شهدای مشروطه‌خواه تبریز)، نمایش اشک، عشق، مشک (روایتی از نهضت عاشورا و شب تاسوعا تا خرابه شام به کارگردانی محمد روشنی) و چند نمایش مذهبی در ایام فاطمیه و محرم و... این سرمایه اجتماعی که این روزها در تبریز و استان آذربایجان شرقی برای انقلاب دیده می‌شود، در سایه زحمات‌های شبانه و همین رفت و آمدهای مستمر شهید آل‌هاشم هست.

شباهت کار شهید آل‌هاشم با شهید مطهری علیه السلام

شهید آل‌هاشم همان‌طور که به مساجد، حوزه، دانشگاه و مدارس سر می‌زد، به ورزشگاه، سینما و تئاتر هم می‌رفت. قطعاً حوزه و دانشگاه رفتن یک روحانی ممکن است، امری عادی و روزمره باشد؛ ولی شاید ورزشگاه رفتن، سینما رفتن یا تئاتر دیدن همان روحانی به‌ویژه در جایگاه امامت جمعه باعث تعجب شود. همین حضور شهید آل‌هاشم در مجامع مختلف، با استقبال گسترده مردم روبه‌رو می‌شد؛ چون این حضورها بدون تشریفات بی‌تکلف و صمیمانه بود. همچنین به تأیید و تشویق بزرگان زیادی رسیده بود.

زنده‌یاد آیت‌الله یزدی وقتی که ورزشگاه رفتن حاج‌آقا در دیدار تراکتور و استقلال را شنید، این کار را به دانشگاه رفتن شهید مطهری تعبیر و تشبیه کرد. البته این ورزشگاه رفتن منحصر به ورزش یا تیم خاصی هم نبود. آیت‌الله آل‌هاشم همان‌گونه که چند بار با حضور در ورزشگاه یادگار امام تبریز، بازی تراکتور را از نزدیک تماشا کرد، احیای تیم ریشه‌دار اما منحل شده ماشین‌سازی را از رئیس فدراسیون مطالبه می‌کرد. چند بازی تیم فوتسال مس سونگون را از نزدیک تماشا کرد. در برنامه‌های ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای شرکت کرد. از مسابقات والیبال، کشتی و تکواندو بازدید داشت و با بسکتبالیست‌ها هم دیدار داشت. شهید آل‌هاشم بارها با خرید بلیت در سالن سینما و تئاتر حاضر شد. از



پشت صحنه چند فیلم و سریال بازدید داشت؛ حتی چند مشکل هم در این بازدید با سفارش حاج‌آقا حل شد.

پیام تسلیتی که جامعه موسیقی را مرید امام جمعه شهید تبریز کرد

۹ بهمن ۱۳۹۹ بر اثر سانحه رانندگی مرحوم جمشید نجفی، خواننده تبریزی از چهره‌های سرشناس موسیقی ایران در قیل و بعد از انقلاب به رحمت خدا رفت. پیام تسلیت آیت‌الله آل‌هاشم، امام جمعه شهید تبریز به جامعه موسیقی تبریز و به خانواده

آن مرحوم همگان را شگفت زده کرد.

این اقدام کم نظیر از یک روحانی و عالم بزرگ شهر در جایگاه نماینده ولی فقیه و امام جمعه، اهالی موسیقی و هنر را وادار به واکنش نمود و سیل تقدیر و تشکرها از شهید آیت الله آل هاشم را به دنبال داشت.

رحیم شهریاری خواننده مشهور ترک زبان، سجاد محمدی، خواننده معروف ماکویی، افشین آذری از موسیقی دانان و هنرمندان آذری و... برای تقدیر و تشکر با امام جمعه تماس گرفتند و از پیام تسلیت و ابراز محبت آیت الله آل هاشم به جامعه هنری قدردانی کردند.

ابراز محبت شهید آل هاشم به هنرمندان همچنان ادامه داشت. آقای شهریاری در انتخابات سال ۱۴۰۰ که مردم را صراحتاً دعوت به مشارکت حداکثری کرده بود که حاج آقا وقتی صحبت های آقای شهریاری را در این کنسرت شنیدند، به خاطر این موضع گیری، آقای شهریاری و همچنین آقای آذری را که در تشویق مردم برای مشارکت انتخاباتی فعال بودند، به دفتر دعوت کردند و حضوری از اقدام آنها تقدیر و تشکر کردند.

نتیجه همین توجهات بود که امروز این خواننده ها علی رغم فشارهای غوغاسالارانه برخی از مزدوران وطن فروش، در شهادت ایشان پیام تسلیت منتشر می کنند و با آهنگ های شان در صفحات خود اظهار اندوه و هم دردی می کنند.

منبع: سید حمید موسویان، عکاس بیت شهید آیت الله آل هاشم



ماجرای تجلیل از عکاس برگزیده در نماز جمعه

علی حامد حق دوست، عکاس خبری: حاج آقای آل هاشم تازه به تبریز آمده بود. آن سال، اولین دوره اعطای نشان سال مطبوعات کشور بود که من هم، اولین نشان عکاس مستند سال مطبوعات را گرفته بودم. همان موقع تلفنم زنگ خورد. شماره را نمی شناختم. فردی که پشت تلفن بود، گفت: «آل هاشم هستم.» من یکه خوردم از اینکه امام جمعه تبریز و نماینده ولی فقیه به من زنگ زده بود. به هرحال نفر اول استان بود. زنگ زد و به من برای جایزه ام تبریک گفت. من هم تشکر کردم. تا حالا چنین برخوردی ندیده بودم.

عکاسی که با افتخار آفرینان قرآنی تجلیل شد

پیش از این ماجرای تماس هم، یک برخورد دیگر با او داشتیم. مسئول دفتر رئیس جمهور به استان سفر کرده بود و حاج آقای

آل هاشم، در جمع ما عکاس ها و خبرنگارها آمده بود. با تک تک ما دست داد و اسم های مان را پرسید. تعامل با آقای آل هاشم پس از ماجرای تماسش آغاز شد. من ظاهر مذهبی ندارم. شلوار جین می پوشم، سه تار می نوازم و شاید در جمع مذهبی ها جا نگیرم؛ اما با این وجود، حاج آقای آل هاشم مرا به نماز جمعه دعوت کرد و در میان قاریان قرآنی که آنها هم افتخار آفرینی کرده بودند، از من هم تقدیر کرد. حاج آقا آل هاشم اولین کسی بود که به نظرم به ظاهر افراد کاری نداشت و با امثال من که افراد هنری محسوب می شویم، ارتباط برقرار کرد. این رفتار امام جمعه تبریز برایم عجیب بود. برای همین آن را در صفحه اینستاگرامم روایت و بازگو کردم. این رفتار حاج آقای آل هاشم نقل محافل شده بود. تصاویرمان در نماز جمعه، در صفحه خود آیت الله آل هاشم هم بازگذاری و بازنشر شد. عکاس دیگری از هم استانی هایم، زیر آن پست، کامنت گذاشته بود: «شما فقط از عکاس های حکومتی تجلیل می کنید.» این کامنت را خود حاج آقای آل هاشم هم دیده بودند و شماره تماس آن عکاس را هم پیدا کرده بودند. چندباری با او تماس گرفته بود و آن عکاس با تعجب، چندباری قطع کرده بود. باورش نمی شد که امام جمعه شهر با یک عکاس منتقد تماس بگیرد. اینها را خود حاج آقا برایم نقل کردند.

امام جمعه ای که مشکل بیمه یک عکاس را حل کرد

یه وقتی من از مدیر وقت ارشاد استان گلایه کرده بودم که کارها و وظیفه شما را امام جمعه پیگیری می کند. من ۱۱ سال بدون بیمه کار کرده بودم. همان موقع حاج آقا با مدیرکل ارشاد تماس گرفت تا بیمه ام حل شود. هرچند یک سال پس از پیگیری مان من بیمه شدم؛ اما آغاز ماجرای پیگیری برای بیمه شدنم، پس از ۱۱ سال کار خبری، با حاج آقا آل هاشم بود. حاج آقا حتی پیگیر کارهای قراردادم در رسانه هم بود. حتی خودش نامه دست نوشته به مسئولان کشوری برای پیگیری کارهایم می نوشت. این کارها را حاج آقای آل هاشم در حقم انجام داده بود. البته با سایر رفقا و دوستان رسانه ای هم ارتباط داشت که اخبار و روایت هایش بین ما می پیچید.



آیت الله آل هاشم رحمته الله علیه ابتدا به ساکن، بین مردم اعم از انقلابی و افراد زاویه دار با نظام، در حل مشکلاتشان خطکشی نمی کرد و چه بسا با ساختن یک مرجع و پناهگاه مطمئن از خود برای مسئله دارها، آن ها را نسبت به انقلاب و نظام خوش بین می کرد. در این باره، مثال های فراوانی وجود دارد. با این همه در برابر هجمه به اصول انقلاب و نظام اسلامی از طرف هر کسی می بود، کوتاه نمی آمد و به وظیفه دینی خویش عمل می کرد. از این روی در بازشناسی سیره و منش آن بزرگ مرد و امام جمعه معتبر، روزنامه جوان با دکتر احمد فرشباغیان استاد دانشگاه تبریز به گفت و گو نشست است که در ادامه بخش هایی از این گفت و گو تقدیم مخاطبان ارجمند می گردد. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه مندان را مفید و مقبول آید.

از امور معنوی یک خطه است، این ویژگی ها در هم ادغام می شوند. به عبارت دیگر در این رابطه، وقتی به ویژگی های مورد نیاز و لازمی از قبیل: سلوک صمیمانه با مردم مؤمن به ویژه قشر جوان انقلابی و پرشور، قرار گرفتن در مسیر خدمت و پیشرفت های فکری و عملی نظام اسلامی، ایجاد وحدت کلمه در میان عموم مردم، رابطه صمیمی با دانشگاهیان و نخبگان، همدلی با ایثارگران و همدردی با ضعیفان - که در حکم رهبر حکیم انقلاب به آیت الله شهید آل هاشم آمده - نگاه می کنیم، به این واقعیت پی می بریم؛ البته عمل به این مأموریت ها پیش زمینه ای می خواهد که بدون وجود آن ها در یک امام جمعه نمی توان بدان ها رسید؛ بنابراین ما همه این پیش نیازها را در شخصیت شهید آیت الله آل هاشم رحمته الله علیه مشاهده کردیم که برخی از آنها به این قرار است:

• به عنوان نخستین سؤال شهید آیت الله سید محمد علی آل هاشم را با چه خصلتی به یاد می آورید؟

با عرض تسلیت شهادت رئیس جمهور انقلابی کشورمان شهید آیت الله ابراهیم رئیسی عزیز و شهید آیت الله سید محمد علی آل هاشم و شهید دکتر مالک رحمتی استاندار انقلابی تبریز و شهید دکتر حسین امیر عبد اللهیان وزیر خارجه مجاهد و دیگر همراهان شهیدشان رحمته الله علیهم به محضر معظم انقلاب و مردم شریف ایران و تبریک این شهادت به ارواح ملکوتی این پاک باختگان مسیر رو به قله انقلاب اسلامی ایران. معمولاً شخصیت ها را با مجموعه ای از ویژگی های مدیریتی به صورت جدا از هم معرفی می کنند؛ ولی در مورد امامت جمعه ای که نماینده ولی امر مسلمین و متولی بسیاری



کردم و درخواست اظهار نظر بعد از مطالعه را داشتم که ایشان با روی باز پذیرفتند. حدود یک ماه بعد که برای کاری خدمت شان بودم، از مطالعه و نقدشان بر کتاب‌ها سراغ گرفتم. گفتند: «چون قول داده بودم که مطالعه کنم و دیدم که نمی‌رسم، دادم به یکی که بخواند و خلاصه دو کتاب را برایشم بیاورد و سپس نظرم را اعلام کنم...» دیدم واقعاً برای زحمت حقیر ارزش قائل شده‌اند که این‌گونه عمل کرده‌اند. بگذارید قدرشناسی ایشان را نیز بگویم. در سال ۹۷ و در جریان یک مأموریت علمی که به همراه یکی از اساتید (دکتر مهدی پور) به استانبول داشتیم، رئیس اتحادیه علمی مسلمانان در ترکیه، یک جلد قرآن چاپ شده از عکس قرآن نوشته شده به خط مبارک امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام را به بنده و نسخه خط عثمان را نیز به همکاران اهدا کرد. من در ملاقاتی دیدم، ایشان صحبت از نسخ خطی قرآن می‌کنند؛ لذا تصمیم گرفتم، قرآن مورد اشاره را به کتابخانه ایشان اهدا کنم و در ملاقات بعدی این کار را کردم. ایشان در آن جلسه بسیار اظهار لطف کردند. همچنین در دو ملاقات بعدی که در دانشگاه میسر شد، ایشان مدام یادآور اهدای این نسخه می‌شدند و تشکر می‌کردند؛ لذا قدرشناسی صفت بارز ایشان بود.

در تعاملات امام جمعه فقید با جوانان و دانشجویان تا چه

حد گرایشات فرهنگی و علمی ایشان مشهود بود؟

ایشان به دانشگاه، آشنایی و اشراف کامل داشتند و حضورشان هم علمی بود و هم فرهنگی. جالب است که ایشان سه بار، در کنگره نشان علمی - فرهنگی شهریار حضور یافتند و انصافاً در هر کنگره هم، در مورد ابعاد علمی و ادبی شهریار با مهارت کامل سخنرانی کردند؛ البته ایشان ارتباط حضوری و نزدیک با استاد شهریار هم داشتند و این مسئله باعث شده بود که با ابعاد شخصیتی آن شاعر شهیر هم آشنا باشند. این امر در پربار شدن کنگره ما تأثیر داشت. جالب است که اساتید دانشگاه‌های باکو که مدعی آشنایی با اشعار شهریار بودند، بعد از سخنان ایشان، اظهار می‌کردند که برای اولین بار در مورد شهریار این مطالب را می‌شنوند!

پس اهمیت دانشگاه در ذهن و رفتار آن شهید را بس مهم ارزیابی می‌کنید؟

قطعاً! من بارها و بارها وقتی به محضرشان می‌رسیدم، خیلی ریز و دقیق پیگیر مسائل مربوط به مدیریت‌های دانشگاه، کیفیت آموزش و حتی حالات و روحیات دانشجویان بودم. اگر مدیری در دانشگاه براساس جناح‌بازی و سیاسی‌کاری مدیریت می‌کرد، ایشان حساس می‌شدند. کاری به گروه‌بندی‌های سیاسی و من درآوردی نداشتند. هر کس بیشتر در خدمت مردم بود، بیشتر مورد

۱. ایمان و اعتقاد راسخ به مکتب که ره‌آورد تلاش‌های انبیای الهی، زحمات و تلاش‌های نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام است.

۲. تبعیت محض و عاشقانه از امام و رهبری در تمامی فراه‌های زندگی.

۳. تخلق به اخلاق اسلامی در ابعاد مختلف همچون: مهربانی به همه اقشار مردم، لطف و رأفت به ضعیفان و مستضعفان، محبت با جوانان از هر طبقه‌ای و به‌طور ویژه جوانان انقلابی و پرشور.

۴. اهمیت به قشر نخبه و فرزانه، سوز و گداز انقلابی برای ارتقای جایگاه علمی و پیشرفت تمدنی ایران.

۵. قاطعیت در هنگام نیاز، برای هدایت مدیران استانی در راستای اهداف انقلاب اسلامی.

۶. ساده‌زیستی و مردمی بودن با حذف فاصله‌ها بین خود و مردم.

۷. تلاش برای پناهگاه مطمئن بودن، برای مردم در مشکلات و...

در مراودات اجتماعی ایشان چه خصلتی را بارزتر می‌دیدید و علت آن چه بود؟

ایشان در بسیاری از وجوه شخصیتی اسوه بودند؛ ولی فکر می‌کنم، مردم‌داری‌شان بارزتر بود. همگان داستان تماس‌های تلفنی و مکرر امام جمعه فقید، با جوانان هنرمند و... را شنیده‌اند و می‌دانند. این تواضع و خودشکنی در برابر آن‌هایی که زمینه ارتقا و اصلاح دارند، از کمتر کسی برمی‌آید. ایشان تلاش داشتند تا کسی از ایشان دل‌آزرده نشود یا این‌طور بگویم که برای افراد و زحمات‌شان ارزش بسیار قائل بودند. یادم است در یکی از ملاقات‌هایی که به محضرشان رسیدم، دو عنوان از کتب تألیفی خود را تقدیم‌شان

پذیرش ایشان قرار می‌گرفت و اگر از مدیری می‌رنجید، به علت ناتوانی و کارنا بلدی یا بی‌لیاقتی‌اش در اداره محیط تحت مدیریتتی بود؛ نه چیز دیگر. همان روحیه مردمی که ایشان برای عامه مردم داشتند، در برخورد با دانشگاهیان و به‌ویژه دانشجویان نیز نشان می‌دادند. حضور در خوابگاه‌های دانشجویی، غذا خوردن بر سر یک میز با دانشجویان، شرکت در برنامه‌های مختلف دانشگاه با جدیت تمام، حاکی از جایگاه این نهاد در فکر و اندیشه ایشان بود. اگر مدیری هم در دانشگاه، به‌ظاهر گرایش جناحی داشت؛ اما برای مصالح نظام اسلامی و منافع مردم کار می‌کرد و واقعاً برای شعائر دینی و ملی ارزش قائل می‌شد، این شهید بزرگوار مدام از او حمایت می‌کردند؛ البته این موضوع، فقط اختصاص به دانشگاه نداشت و در پست‌های بالای مدیریتی استان هم، این چنین بود.

• از کنگره بزرگداشت استاد شهریار گفتید. آیا در کنگره ادبیات عاشورایی نیز از ایشان خاطره‌ای دارید؟

علاقه ایشان به فرهنگ و ادبیات عاشورایی که بسیار مشهود بود و از کنگره‌ای تا کنگره دیگر، مدام پیگیر بودند که در چه زمانی برگزار می‌شود. از سال ۹۷ تا همین ۱۴۰۲ و غیر از دو سال کرونا در همه کنگره‌ها حضور یافته و سخنرانی کردند. در کنگره سال ۱۴۰۰، صبح روز اصلی کنگره، ۲۵ نفر از میهمانان خارجی از کشورهای آذربایجان، ترکیه، گرجستان و عراق را به محضرشان بردیم و یک سخنرانی کردند و میهمانان نیز شعرخوانی، مداحی و سخنرانی داشتند. تقریباً دو ساعتی طول کشید و بعد از مراسم از محضرشان دعوت کردم که در برنامه اصلی شب هم، سخنرانی داشته باشند. مکثی کردند و قبول نمودند. وقتی عصر به مراسم آمدند، دیدیم با عصاره می‌روند و ما از کمردردشان بی‌اطلاع بودیم! وقتی معذرت‌خواهی کردم که نمی‌دانستیم، وضع این‌طوری است و ای کاش می‌گفتید، گفتند: فقط چون اسم عاشورا روی برنامه بود، قبول کردم. این نشان از علاقه و اعتقاد راسخ ایشان به فرهنگ عاشوراست. بعد از آن برنامه هم - که ادامه‌اش با مساعدت مسئول محترم و بزرگوار حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه عاشورا (برادرمان حاج‌آقای سرایی) در مشهد مقدس برگزار شد- برای ارائه گزارش خدمت‌شان رسیدم، گفتند: این برنامه ادبیات عاشورایی با حضور محققان، مداحان و شاعران سایر کشورها خیلی ابتکار خوبی است. پروتقش کنید، من هم هرچه بتوانم حمایت می‌کنم. کنگره ۱۴۰۲ هم آخرینش بود که در آن، حضور گرمی داشتند و متأسفانه امسال از حضورشان بی‌بهره خواهیم بود. ان‌شاءالله با صاحب عاشورا حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام، محشور شوند و ما نیز از دعای ایشان بهره‌مند باشیم.

• شواهد نشان می‌دهد که ایشان در طول مدت تصدی مسئولیت، توانست جریان تجزیه‌طلب را کنترل کند. در این کار بزرگ از چه شیوه‌ای استفاده می‌کرد؟

به نظر من جریان تجزیه‌طلب، دو وجه یا دو لایه دارد. یک لایه تئوریسین‌ها و برنامه‌ریزهای پشت صحنه آنها و وابسته به سیستم‌های امنیتی خارجی هستند که هیچ نسبتی با مردم مؤمن و شریف ما ندارند. بالطبع همه دست‌اندرکاران و مدیران فرهنگی هم، در قبال این طیف مسئولیت‌های تعریف شده دارند؛ اما بخشی از افرادی که بعضاً از روی فریب و غفلت، شعارهای ساخته آنها را در میادین مختلف اجتماعی سر می‌دهند، جوانانی هستند که عوامل متعدد آنها را به این وادی کشانده است و شهید آیت‌الله آل‌هاشم، پیوسته دغدغه نجات این قشر از چنگال اربابان فکری تجزیه‌طلبی را داشتند و با حضور در مجامع مختلف جوانان حتی ورزشگاه‌ها، تقریباً در این عرصه نیز از موفقیت نسبی برخوردار بودند. یقیناً حضور دلسوزانه ایشان در کنترل این جریان مخرب در استان ما، تأثیر به‌سزایی داشته است.

• شهید آل‌هاشم تا چه حد توانست، تراز امام جمعه‌گی را ارتقا دهد و وفق پیش‌روی امام جمعه آینده شهر تبریز چیست؟

یکی از عواملی که می‌تواند افراد را در مسیر تحول قرار دهد، فهم شرایط زمانی و مکانی است و عدم فهم آن در طول زمان، فاجعه‌بار می‌شود! آنچه ایشان را در مقام امامت جمعه موفق کرد، «بودنشان» بود. ایشان با قرار گرفتن در جایگاه امامت جمعه، با به‌کارگیری اخلاق، منش و سلوک اسلامی را در همه جایگاه‌ها به رخ کشیدند که اگر منش، فکر و اندیشه الهی باشد، در تمام میدان‌ها وظیفه را مطابق نیاز برعهده می‌گیرد و نتایج مهم می‌آفریند.

برخی در اولین روزهای امامت ایشان در تبریز و برداشتن نرده‌های حد فاصل مسئولان و مردم در مصّلی، کوچک، سطحی و غیرمفید بودن این حرکت را مطرح می‌کردند و نیز حرکت‌های مردمی ایشان مانند حضور در مترو و اتوبوس عمومی و کارهای دیگر را کوچک می‌شمردند؛ غافل از اینکه اگر برخی از مسئولان از مردم فاصله گرفته‌اند، با رعایت نکردن همین نکات کوچک بوده است و باید با رعایت همان کوچک‌ها، جبران مافات می‌شد و مردان بزرگ نیز، با رعایت نکات کوچک، بزرگ می‌شوند. ارتقای تراز امامت جمعه تبریز، از مسیر همین رفتارها مانند همدمی با قشر ضعیف جامعه، حضور در متن مردم و ارزش دادن به جایگاه و مقام انسانی و دینی افراد عبور می‌کند و به هدف می‌رسد و شهید آیت‌الله آل‌هاشم با بازان‌دیشی و انجام رفتارهایی اخلاق‌مدارانه، توانست این امر را محقق سازد.

سلامت نفس و پرهیز از رابطه سالاری

در افکار عمومی، بیشتر بعد اخلاقی و منش مردم دارانه شهید آل هاشم شکل گرفته و همه از مهربانی، رأفت و گذشت ایشان می‌گویند؛ اما ابعاد شخصیتی ایشان متعدد بود؛ اما آنچه همیشه برای بنده جالب می‌آمد، سلامت نفس و بنیه علمی قوی ایشان بود. انضباط مالی بالایی داشتند. اهل مادیات نبودند و از رابطه سالاری و اعمال نفوذ نزدیکان‌شان در مسئولیت‌های بالای سازمان‌ها و ادارات پرهیز می‌کردند. هر دو برادر شهید یعنی آقایان سید محمدحسن و سید محمدحسین آل هاشم در سازمان‌هایی که مشغول به کار بودند، بسیار کاربلد و حائز شرایط کسب عنوان مدیرکلی در ادارات خودشان بودند. بسیاری از کارکنان جهاد سازندگی استان و صدا و سیما هم آن روزها آمدند و رفتند که حاج آقا در این مورد موافقت کنند؛ اما همیشه با مخالفت حاج آقا مواجه شدند.

در خوشی مردم خوشحال و از ناراحتی مردم ناراحت بودند

ازدواج جوانان و به دنیا آمدن نوزادان، باعث خوشحالی‌شان می‌شد. برای همین هم، حتی در شلوغ‌ترین روزهای کاری‌شان قرائت خطبه عقد و گفتن اذان و اقامه در گوش نوزادان را تعطیل نکردند. از دیدن تحقیر شدن دیگران و شنیدن دروغ خیلی ناراحت می‌شدند. در دیدارهای مردمی هم، از درد و دل مردم و وضعیت بد معیشتی خیلی دل‌شان می‌گرفت؛ البته کمک‌های زیادی هم، از طریق همین دیدارها با معرفی حاج آقا انجام می‌شد؛ از اهدای جهیزیه گرفته تا انواع وام‌های قرض‌الحسنه؛ حتی چندین مورد کمک دندانپزشکی هم انجام دادند. حاج آقا دندانپزشک معتمدی داشتند که در همین دیدار مردمی، هرکس مشکلی از بابت دندان داشت، با معرفی حاج آقا درمان می‌شد. یادم هست، چند نفری که با معرفی حاج آقا دندان مصنوعی برایشان درست شده بود، هر جا ایشان را می‌دیدند، تشکر و دعا می‌کردند.

دل‌بسته مادر و عاشق پدر

حاج آقا همان‌گونه که با مردم مهربان و با محبت بودند، با خانواده محترم‌شان هم مهربان و صمیمی بودند. به مرحومه والده‌شان که خیلی وابستگی عاطفی داشتند و در دوران حیات‌شان هر روز چند باری تلفنی صحبت داشتند و بعد از فوت هم، هر وقت برای برنامه‌ای به وادی رحمت مراجعه می‌کردند، حتماً فاتحه‌ای برای مادرشان می‌فرستادند. عاشق ابوی گرمی‌شان بودند و برادران‌شان



روایتی از ۷ سال همراهی با «سید شریف» آذربایجان

گفت‌وگو با مسئول رسانه

دفتر شهید آل هاشم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

سید حمید موسویان، مسئول رسانه دفتر شهید آل هاشم محرم و مخزن اسرار شهید آل هاشم که در همه این ۷ سال با انجام مسئولیت فضای مجازی دفتر امام جمعه شهید، کنار او بوده و حرف‌های ناب‌ی از سیره و شخصیت آن سید محبوب آذربایجان دارد، در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی «تبریز بیدار»، زوایایی از سیره سومین امام جمعه شهید تبریز پرداخته که برش‌هایی از آن در ادامه می‌آید.

و همشیره مکرمه‌شان را هم در طول هفته ملاقات می‌کردند و هم خیلی پای‌بند بودند به دوره‌می‌های خانوادگی‌شان که در هفته یک روز برگزار می‌شد، همیشه طوری برنامه‌ریزی می‌کردند که غایب نباشند.

خلوت با عکس نوه‌ها

با صبیبه مکرمه، آقازاده و داماد محترم‌شان بسیار صمیمی بودند؛ گرچه کمتر دیدار حضوری داشتند؛ اما دل‌شان همیشه با نوه‌ها و فرزندان‌شان بود؛ لذا روزانه ارتباط تلفنی داشتند و گاهی در خلوت‌شان به عکس نوه‌ها نگاه می‌کردند.

رفتار پدران‌ای که باعث جذب طیف‌های غیرمعتقد شد

خط قمرزشان ولایت و رهبری و اصل نظام و انقلاب بود. همه کارهای‌شان هم بر محور حکم انتصاب و توصیه‌های رهبری تنظیم شده بود. حاج‌آقا رفتار پدران‌ه با همه احزاب سیاسی و فعالان اجتماعی گوناگون معتقد به نظام داشتند؛ اما همیشه می‌گفتند: وحدت حول محور ولایت و تا آخرین روز هم بر این اصل محکم و استوار ایستادند و کوتاه نیامدند. حاج‌آقا در عین رعایت این خط قمرز، در جذب طیف‌های مختلف که معتقد به ولایت نبودند هم، موفق عمل کردند که نمونه‌های بسیاری را می‌توانم با ارائه سند عرض کنم. چه بسا کسانی که با رفتار حکیمانه حاج‌آقا، جذب رهبری و ولایت شدند.

پدر معنوی استان

اصطلاح پدر معنوی برای خیلی از نمایندگان ولی فقیه و علما استفاده می‌شود. آنچه شهید آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه را متمایز می‌کرد، رفاقت ایشان با مردم بود. همان‌طور که یک دوست و رفیق خوب، در شادی‌ها و غصه در موفقیت‌ها و شکست‌ها در کنار انسان می‌ماند، آیت‌الله آل‌هاشم هم، این رسم رفاقت را در عمل به بهترین نحو به اجرا درآوردند.

البته این سیره و روش حاج‌آقا منحصر به دوران امامت جمعه نبود. ایشان در دوران نمایندگی ولی فقیه در ارتش و ریاست سازمان عقیدتی سیاسی هم، همین کارها را انجام می‌دادند. این تداوم و استمرار در مهربانی و گذشت، هر روز بر دوستداران شهید آل‌هاشم اضافه می‌کرد تا جایی که آن رأی معنادار و بالای ۸۵۰ هزار به عنوان نماینده مجلس خبرگان و تشییع میلیونی پیکر مطهرش، برگ زرینی در تاریخ تبریز رقم زد.

منبع: سایت تبریز بیدار/تهیه و تدوین، صابر عیسی‌پور





که به عنوان نماینده ولی فقیه آذربایجان شرقی منصوب شدند، تمام هم و غم ایشان این بود که دستورات مقام معظم رهبری را موبه مو اجرا کنند و در راستای اهداف نظام همان طور که رهبری می خواهند، پیش بروند. نظم و انضباط، مردمی بودن، ولایی بودن، ارتباط خوب با علما و عموم مردم، همه نشان دهنده این بود که ایشان واقعاً انسان شایسته‌ای برای کشور و سرباز شایسته نظام و ولایت فقیه بودند.



پیامک فرد ناشناسی که امام جمعه را به حاشیه شهرکشاند

سید حمید موسویان: شهید آل هاشم علیهم‌السلام برای همه شخصیت‌ها احترام قائل بود. ایام پیک شیوع کرونا از طریق فضای مجازی، پیامی از یک فرد آبرومند دریافت کردیم که فرد پیام‌دهنده در وضعیت بد معیشتی قرار داشت. بنده هم مأمور شدم که نشانی منزل فرد را پیدا کنم. مشخص شد که ایشان



در فراق سرباز شایسته نظام

آیت‌الله علی ملکوتی امام جمعه سراب و عضو مجلس خبرگان رهبری: سابقه آشنایی ما به سال ۱۳۶۱ بعد از شهادت شهید مدنی باز می‌گردد. از زمانی که پدرم از طرف حضرت امام علیه‌السلام به عنوان نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی منصوب شدند، پدر آیت‌الله آل هاشم و خود ایشان، هر دو در دفتر مرحوم والد مشغول فعالیت بودند.

شهید آل هاشم در این مدتی که در دفتر نمایندگی ولی فقیه مشغول بودند، امین مرحوم پدرم بودند. بسیار منضبط و منظم بودند. به همه محبت می‌کردند و همه هم او را دوست داشتند. رفتار او به نحوی بود که مسئولین تبریز به ایشان علاقه‌مند بودند و دوستش داشتند. روابط عمومی بسیار عالی و قوی داشتند و با همه خوب بودند. ما با هم ارتباط عاطفی و صمیمی داشتیم. شهادت ایشان آسیب بزرگی بود. واقعاً دلم شکست، خیلی متأثر شدم. به ولایت فقیه اعتقاد داشت و به آن عشق می‌ورزید. دورانی

در کوچه پس کوچه‌های یکی از محلات کم‌بضاعت تبریز زندگی می‌کند. به آیت‌الله آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه عرض کردم: حاج‌آقا! هر فرمایشی دارید بفرمائید، ما تهیه می‌کنیم و به این نشانی می‌فرستیم؛ حاج‌آقا قبول نکردند و گفتند: نه، خودم هم می‌آیم. به اتفاق هم منزل‌شان رفتیم. آن آقا وقتی حاج‌آقا را دید، اصلاً باور نمی‌کرد که خود ایشان است. از شدت خوشحالی شروع کرد به گریه کردن. گفت: من دیگر هیچ کمکی نمی‌خواهم! همین که شما برای پیام من ارزش قائل شده‌اید و به خانه من آمده‌اید، انگار تمام ثروت دنیا را گرفته‌ام.



خاطره‌ای از مرحوم آیت‌الله مسلم ملکوتی از زبان شهید آل‌هاشم

امام جمعه شبیه روحانی روستا و شهر است و وظیفه دارد، در خیر و شرّ مردم شرکت کند. یکی از موفقیت‌های بزرگ امام جمعه این است که جانبداری از شخص، جریان و گروه نکند؛ همان چیزی که مقام معظم رهبری همیشه سفارش کرده‌اند. شما ببینید در مراسم افطاری مقام معظم رهبری تمام جناح‌ها حضور دارند؛ این، یعنی ایشان پدر همه جریان‌ها و احزاب هستند. امام جمعه باید نقش پدری داشته باشد. تمام افراد را تحت حمایت خود قرار دهد و دست تفقد بر سر همه افراد بکشد. بنابراین ما هر جا دیدیم که امام جمعه‌ای طرفدار شخص یا جریان خاصی بوده، موفق نبوده است.

خاطره‌ای از مرحوم آیت‌الله ملکوتی بگویم؛ من در زمان آیت‌الله ملکوتی مسئول ستاد نماز جمعه تبریز بودم و ایام انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. به ایشان گفتم: «نمایندگان مجلس از جناح‌های مختلف توقع دارند که پیش از خطبه‌ها سخنرانی کنند، من چه کار کنم؟» ایشان گفت: «این هفته هر شش نماینده را دعوت کن.» من گفتم: «حاج‌آقا! من شش نماینده را در هفته چگونه دعوت کنم؟» ایشان گفت: «اگر برای نماینده‌ای وقت نشد، برای هفته بعد دعوت کنید.» نماینده‌ها با من تماس گرفتند که ما را سر کار گذاشتی و همه را دعوت کردی؟! لذا هرکس تماس می‌گرفت، می‌گفتم: شما هفته آینده صحبت کن. به دیگری می‌گفتم: شما دو هفته بعد صحبت کن. بنابراین آیت‌الله ملکوتی نمی‌خواست، یکی از نمایندگان را بر دیگری ترجیح دهد و پدری می‌کرد.

همان‌گونه که امروز مقام معظم رهبری، نقش پدری را دارند، ما هم سعی کردیم، این را حفظ کنیم. من یکی از رمزهای موفقیت

خود را عدم ورود به جریان‌های سیاسی می‌دانم؛ به هیچ جناحی وابسته نیستم و به جز خط امام، ولایت و رهبری، هیچ خطی را نمی‌شناسم.



محور وحدت طیف‌های سیاسی

زهره ساعی، نماینده پیشین مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی: ایشان محور وحدت بودند. در دفترشان جلسات بسیار خوبی مبنی بر موضوعات مهم استان تشکیل می‌شد که نمایندگان از طیف‌های سیاسی مختلف، مسئولان استان، حتی گروه‌های نظامی و انتظامی و ... حضور داشتند. افرادی از بخش‌های خصوصی و هرکس که می‌توانست کمکی کند، در جلسات دعوت می‌کرد تا موضوعات در فضایی آرام به صورت کارشناسی شده جلورود و خود نیز پیگیر مسائل بودند.

خاص‌ترین روز آیت‌الله آل‌هاشم رحمته‌الله‌علیه

برای آیت‌الله آل‌هاشم روز جمعه بسیار خاص بود. ایشان روز جمعه را تعیین کرده بودند که تمام مدیران استانی در آن روز پشت میز خدمت نماز جمعه قرار گیرند و به مشکلات مردم رسیدگی کنند. مردم قبل از نماز جمعه می‌توانستند، کسانی چون مدیرکل بهزیستی استان یا مدیرکل کمیته امداد استان و .. را ملاقات کنند و مشکلات‌شان را بدون اینکه وقت قبلی بگیرند، به اطلاع مسئولان برسانند. چنین ابتکار آیت‌الله آل‌هاشم در فضای مجازی هم پخش شده بود.

برای اولین بار یک خانم

پشت تربیون نماز جمعه رفت

در یک کلام می‌توان گفت که آیت‌الله آل‌هاشم شعاری نبود. نمونه بارز شعر «هرچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند» بود؛ چراکه حرف و عملش یکی بود.

برای خطبه‌های پیش از نماز جمعه معمولاً آقایان دعوت می‌شوند و حدود نیم‌ساعت یا ۴۰ دقیقه به ارائه کار و طرح موضوع می‌پردازند. آیت‌الله آل‌هاشم برای اولین بار در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ به بنده به عنوان یک خانم فرصت دادند که پیش از خطبه‌های نماز جمعه سخنرانی کنم. برایم خوشایند و خوشحال‌کننده بود. خودم را آماده کردم و حدود یک ساعت پیش از خطبه نماز جمعه، آن روز سخنرانی کردم.

بزرگ‌منشی و توجه به مردم، الگویی مهمی است که باید از او بیاموزم؛ یعنی مردم را باید واقعی ببینم و کنار مردم باشم و آنها را دوست داشته باشم.

آخرین دیدار

آخرین دیدارم با حاج‌آقا، دو روز پیش از شهادتش در مصلاهی جمعه تبریز بود. من تا ساعت‌ها پس از نماز-جمعه میان مراجعان و مردم بودم. نزدیک‌های ساعت ۳ بعد از ظهر بود که از مصلاهی جمعه بیرون آمدم. با یکی از دوستان به سمت دفترم راه افتادم که در میان مسیر گفتم، دیداری با حاج‌آقای آل‌هاشم تجدید کنیم. البته احتمال دادیم که در آن ساعت در حال استراحت باشند؛ اما رفتیم در خانه‌شان را زدیم. حاج‌آقا کاملاً با روی گشاده و شوخ‌طبعی استقبال کردند. با دوستی که همراهم بود، کمی شوخی کرد. عکس یادگاری گرفتیم. به حاج‌آقا عرض کردم: شروع مجلس جدید خبرگان و مجلس شورای اسلامی همزمان خواهد بود. اون موقع این عکس را در فضای مجازی قرار می‌دهم؛ اما دفتر روزگار جور دیگری ورق خورد. این عکس هنوز در آلبوم گوشی من مانده است و دیگر معلوم نیست، در نبود حاج-آقای آل‌هاشم، چه زمانی پست شود.



خاطرات خواندن آقا اسرافیل

سر تیم حفاظت شهید آل‌هاشم، آقاابراهیم اسرافیل نژاد معروف به آقااسرافیل می‌گوید: از ۲۶ مهرماه سال ۱۳۹۶ به‌عنوان سر تیم حفاظت انتخاب شدم و این هشت سال، هیچ سختی نداشتیم؛ زیرا خود شخص حاج‌آقا به‌خاطر رزومه کاری نظامی‌گری و دانش نظامی بالایی که داشت، این کار را برای ما آسان کرده بود! خدمت برای حاج‌آقا آل‌هاشم کاربلدی می‌خواست؛ ما هر جا گیر می‌کردیم، به خود حاج‌آقا مراجعه می‌کردیم و او به حق دایرة‌المعارف هشت سال دفاع مقدس بود؛ ذهن بالای نظامی داشت و گاهی حرفی را نگفته به همه ما می‌فهماند. حاج‌آقا همیشه من را آقااسرافیل صدا می‌کرد و معمولاً هر جایی که تشریف می‌بردند، طبق برنامه اطلاع می‌دادند و به‌عبارتی می‌توان گفت که حاج‌آقا یک معلم بزرگ، از نظر منش، ادب، شخصیت و مردم‌داری بود و خوشحالم که هفت سال تمام شاگرد این معلم بزرگ بودم.

او در ادامه ماجرا گفت: بعدها شنیدم که برخی از افراد به ایشان خرده گرفتند که چرا یک خانم در تریبون نماز جمعه حضور پیدا کرده است و چرا چنین فرصتی به وی داده‌اید. ایشان در پاسخ گفته بودند: نماینده مجلس چه خانم و چه آقا، نماینده شهرمان هستند. باید از حق برابری برخوردار باشند و همان‌گونه که آقایون در آن تریبون موضوعات و فعالیت‌های خود را مطرح می‌کنند، نمایندگان خانم هم باید از آن برخوردار باشند.

آیت‌الله آل‌هاشم با این کارشان فضا را برای خانم‌های استان فراهم کردند تا در کنار مدیران مرد، تلاش‌های آنان هم، دیده و از آنها تقدیر و قدردانی شود و اگر نیاز است، جایی سخنرانی شود، حق آنها هم حفظ شود. چنین خصوصیتی در آیت‌الله آل‌هاشم وجود داشت و یک انسان چقدر باید منعطف باشد که بخواهد، این چیزها را در ترازوی مساوی بسنجد و رفتار نماید.



کنشگری که با محیط و تأثیرگذارش آشنا بود

روح‌الله متفکر آزاد، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی: شهید آل‌هاشم شخصیتی بسیار ممتاز و مردمی بودند. در بیت و دفتر نمایندگی ولی‌فقیه به روی همه باز بود. محال بود که مراجعه‌کننده‌ای، با در بسته مواجه شود. با مردم، مسئولان دولتی و نماینده‌های مجلس بسیار صمیمی و پدران‌ه رفتار می‌کردند. هر وقت نیاز می‌شد، تذکر لازم را به نمایندگان و مسئولان می‌دادند. در صورت بروز هر مشکلی برای مردم، بلافاصله مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس را در جریان قرار می‌دادند. در تعامل میان مردم و مسئولان، بسیار جدی بودند و در عین حال هم، رثوف و مهربان بود. تقریباً هر کسی که با او مراد داشته، می‌شناخت. کنشگری بود که با محیط و تأثیرگذارش، آشنا بود. از روابط اطلاع داشت. می‌دانست فردی که به او مراجعه کرده یا او را دیده، چه‌کاره است و چه شغلی دارد. در شهر، خانواده شهید، علما، ریش‌سفیدان، شاعران، جوانان، اصحاب رسانه و هیأت‌داران را می‌شناخت و به همه لطف و مهربانی داشت. با همان سبک و سیاقی که از رهبر معظم انقلاب الهام گرفته بود، خودش را پدر همه می‌دانست و سعی می‌کرد که همه تفکرات را زیر پروبال خود جمع کند و به همه محبت کند. خونگرم بود. با مردم زیست می‌کرد و مردمی بود. دسترسی به او راحت بود. بنده با حاج‌آقای آل‌هاشم بسیار مأنوس بودم. هر هفته سعی می‌کردم، خدمت‌شان برسم، گزارش کار بدهم و مشورت بگیرم.



لحظه هلی شات صدا سیما، تصویری از حاج آقا را در مانیتور نشان داد. بلافاصله کل ورزشگاه یکصدا فریاد زدند سید آل هاشم، سید آل هاشم! هواداران با دیدن این صحنه، رفتاری متفاوت از خود نشان دادند و از همدیگر می‌خواهند به احترام این حضور، حرمت ورزشگاه بیش از گذشته حفظ شود. این اقدام حاج آقا منجر شد که در آن مسابقه با همه برنامه ریزهایی که دشمن چیده بود، نقشه‌اش نقش بر آب شود؛ لذا فحش و شعاری در ورزشگاه مطرح نشد و همه تماشاگران بعد از بازی به خانه‌هاشان رفتند و همه آن خودروهایی شماره غیربومی هم، راه شهر خودشان را در پیش گرفتند.

بگذار مردم راحت باشند

یک روز در مصلاي جمعه حاج آقاي بنابي بالاي منبر در حال سخنراني بود و حاج آقاي آل هاشم هم داشت، به حرف‌های او گوش می‌کرد. یک شخصی نزدیک حاج آقا شد و از او خواست تا در مورد مسأله ارث و میراث و دعوی خانوادگی‌شان کمک کند و حاج آقا هم گفتند: صبر کنید تا سخنرانی تمام شود و بیایم خدمت‌تان! آن شخص وقتی از حاج آقا دور شد، بالحن بد و بی ادبانه‌ای حاج آقا را مورد خطاب قرار داد. من صرفاً دستم را روی دهان آن فرد گذاشتم و در گوش‌اش گفتم که کمی ادب را رعایت کنید. متوجه شدم که حاج آقا از دور به من نگاه می‌کنند؛ بعد از سخنرانی، به من گفت: آقا اسرافیل! این چه برخوردی بود که با آن بنده خدا داشتی؟ گفتم: حاج آقا فقط گفتم که ادب را رعایت کن؛ ولی حاج آقا گفت: نه، آن کار را هم نباید می‌کردی! اجازه بدهید راحت باشند و حرف‌های‌شان بزنند.

در بازدید دوم، اهالی روستا به قدری از حاج آقا تشکر می‌کردند که حاج آقا گفتند: همین شادی شما برای من کافیست!

توطئه‌ای که با حضور حاج آقا در استادیوم ورزشی خنثی شد

معاندین فراخوان داده بودند که بعد از فوتبال دیدار تیم‌های تراکتورسازی تبریز و استقلال در ورزشگاه یادگار امام تبریز، شورش کنند و به خیابان‌ها بیایند! آن زمان روزهای سخت و سنگینی داشتیم. حاج آقا بعد از اقامه نماز جمعه به من گفت که به استادیوم خواهیم رفت! من هاج و واج نگاهش کردم و گفتم: حاج آقا! این کار را نکنید! منصرف شوید؛ اما حاج آقا فرمودند: خودتان را آماده کنید! باید به ورزشگاه برویم! من بلافاصله با فرمانده سپاه عاشورا صحبت کردم که حاج آقا چنین تصمیمی گرفته‌اند. فرمانده هم خیلی نگران شد و اصرار کرد تا منصرف‌اش کنیم؛ اما حاج آقا منصرف نشد و مصر بود که باید برویم؛ از این رو با هزاران نگرانی و دردسر به ورزشگاه رفتیم و حاج آقا در جایگاه نشست. یک

اهالی روستای فراموش شده‌ای که خود را مدیون آل هاشم می‌دانند

روزی رئیس کمیته امداد استان، خدمت حاج آقا رسیدند و از محرومیت روستای پشتو به حاج آقا گزارش دادند. من به چهره حاج آقا نگاه می‌کردم. یک دفعه بسیار محزون و برافروخته شدند و بلافاصله آماده شدند و گفتند: برویم این روستا را ببینیم! این روستا در ۵ کیلومتری شهرستان هوراند و در یک مسیر بسیار صعب‌العبوری قرار داشت و حتی راه مناسبی برای تردد هم نداشت. وضعیت خانه‌های این روستا بسیار ناگوار بود. اصلاً شرایط زندگی مهیا نبود؛ قبل از حاج آقا نیز، چند مسئولی به آن روستا رفته بودند؛ ولی به خاطر برخی مسائل، کاری صورت نگرفته بود و فقط در حد وعده باقی مانده بود؛ اما حاج آقا وقتی این وضعیت را دیدند، قول گازکشی، آب‌رسانی و جاده‌سازی را دادند و یک سال نشده، همه این کارها انجام گرفت و ۲۳ خانه محروم نیز ساخته و تحویل داده شد.



سیدی از نسل خوبان

حجت الاسلام والمسلمین فرامرزی اصولی

انقلاب اسلامی و متعاقب آن نظام مقدس جمهوری اسلامی، فصلی جدید در دفتر هدایت گشود. استقرار حاکمیت فقهت در قامت فقیه جامع الشرایط و متکی بر آرای جمهور، تصویری مردم سالارانه از حکومت اسلام را به جهان عرضه کرد. شبکه امامت و راهبری که از عصر حضور ائمه اطهار علیهم السلام شکل گرفته بود، در این دوره صورتی تازه به خود گرفت. در پرتو بسط ید فقیه حاکم، نمایندگان مقام ولایت امر مسلمین به نصب آن مقام منبع القدر، در همه جای کشور به وظیفه امامت و هدایت اقدام می کنند.

در این میان آنچه بی نیاز از ارائه برهان است، لزوم وجود مؤلفه های شایستگی برای تصدی جایگاه این نمایندگی است. فرستادگان ولی فقیه باید از جنس فقهت و طهارت باشند تا بتوانند، سبب اتصال میان آحاد امت و امام جامعه قرار گیرند.

در این نقطه از ایران عزیز یعنی آذربایجان، سر ایران، همواره شخصیت هایی برجسته و محبوب، از جانب امامین انقلاب به سمت نمایندگی ولایت منصوب شده اند. خاطره دلپذیر آن عالمان فرزانه و مهذب تا همیشه در ذهن و دل مردم این منطقه ماندگار است.

از آیات علم و تقوا، شهیدان محراب «قاضی و مدنی» رضوان الله علیهما گرفته تا مرحوم مجتهد شبستری رحمته الله علیه.

اما کسی که در منظومه سفیران ولایت امر مسلمین، در آسمان

قلب ملت انقلابی، چون ستاره ای درخشان تابید و چون ماهی منیر، نور مهر ولایت را در این استان بر جان و دل مردم تاباند، سیدی پاک از نسل خوبان بود؛ «سید محمدعلی آل هاشم»

از جنس طهارت و فقاقت، فرزند حوزه علمیه که در سال های متممادی پس از طی عالی ترین سطوح دروس حوزوی در درس رهبر معظم انقلاب، جرعه نوش دریای فقاقت آن محضر پرفیض بود. دکترای رشته «فقه و مبانی حقوق»، برگی دیگر بر صفحه فقاقت این سید شریف است. از ویژگی های برجسته این انسان والا، نوآوری های مدیریتی و ارائه چهره های جدید و حقیقی از سبک مدیریت اسلامی است. این مضمون در فقاقت وی نیز دیدنی است. فقاقت «آل هاشم» در محبس کتاب و مدرسه قرار نگرفت. هرچند خود، مدرس درس خارج فقه و اصول در تبریز بود؛ اما اصول و فروع شریعت را در متن جامعه عیان ساخت. او فقط مدرس طلاب نبود، او معلم اخلاق و فقه همه مردم بود.

او نه تنها شارح الفاظ بلکه تجسم عینی نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر بود. کتاب «طهارت» را در گفتار و رفتار پاکش عیان ساخت. «صلاة الجمعة» را در قامت امامت جمعه ظاهر ساخت، کتاب «الامر بالمعروف والنهی عن المنکر» را با انگشت خطبه ها و گفته ها تورق کرد. دیگر چه باید گفت از فقیهی که فقاقتش فقط الفاظ نیست، از جنس کاغذ نیست، اصطلاحات زرق و برق دار فقهی و اصولی نیست. از جنس عمل است؛ حتی کتاب «جهاد» را هم به روش خود در اداره جامعه کشاند. روایات خدمت به خلق را جامه عمل پوشاند که حقیقتاً مصداق و ترجمانی از این آیه شریفه بود که فرمود: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ».

دل های مشتاق ولایت در گروهی مهر او بود که بوی ولایت می داد. عشق ورزی و اعتقاد راسخ مردم به نظام اسلامی و ولایت رازمانی که جوان ها پروانه وار دور او می گشتند، می شد تماشا کنی.

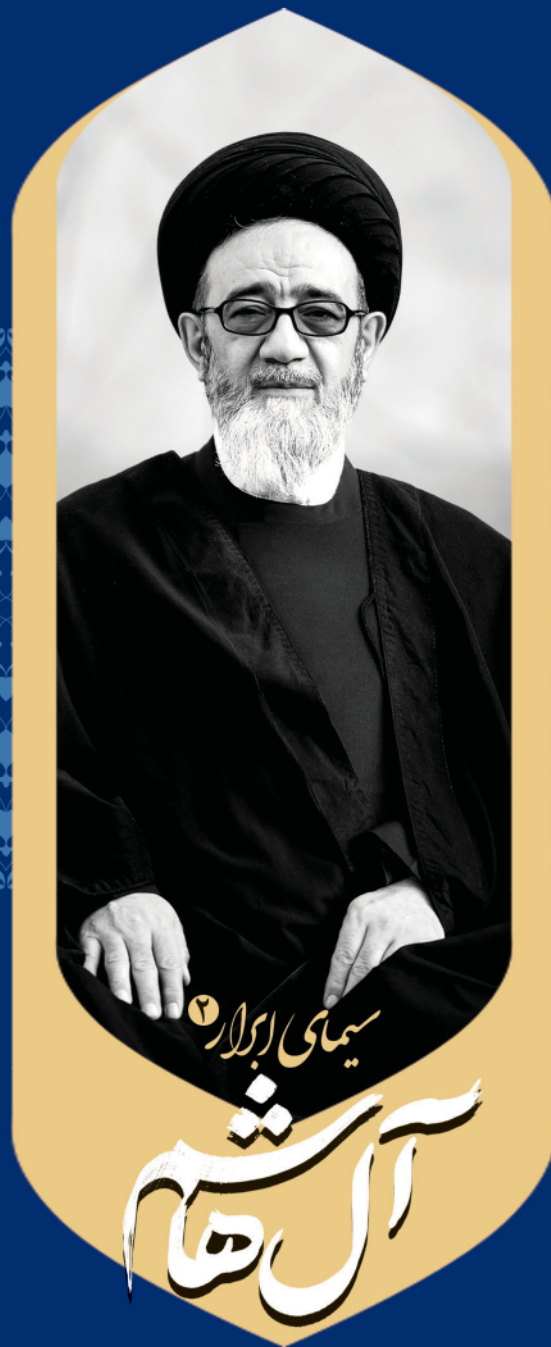
و چه پرواز باشکوهی در آخرین روز عمر سراسر جهاد «سید» رقم خورد! «بالگرد» نه که بر «براق» خدمت به اوج عزت پر کشید و چه دل هایی که پس از انفجار آن بالگرد، سوخت!

مردم همواره به او اظهار محبت کردند. روزی با لبخند، روزی با اشک و آه. بدن مجروحش در کنار شهیدان آرام گرفت؛ اما مگر «آل هاشم» دفن شدنی است؟

شهادت، او را زنده تر کرد. هم در پیشگاه پروردگارش زنده است و هم در قلوب محبانش. خطبه شهادتش این بار «دیدنی» بود. تا دنیا ببیند که نظام اسلام یعنی چه تا ببیند، ولایت یعنی چه.

نامت، یادت، راهت، زنده باد ای فقیه معرکه خدمت!

بلند باد سایه مبارک وجود ذی جود رهبرم!



ویژه‌نامه خاطرات خواندنی، پندآموز و ماندگار
از سیره اخلاقی و اجتماعی شهید آیت‌الله آل‌هاشم رحمۃ اللہ علیہ



• پایگاه اینترنتی

www.ofoghawzah.ir

• پست الکترونیک

info@ofoghawzah.ir

• کانال هفته‌نامه در سروش و ایتنا

[/ofogh_howzah](https://www.soroush.ir/channel/ofogh_howzah)